

Penological Analysis of Discrimination in the Process Sentencing of Foreign Nationals for Drug Offenses: (Comparative study)

Sana Kazempour

Ph.D.student in Criminal Law & Criminology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Email:sana.kazempour@gmail.com)

Mohammad Farajihay*

Associated Professor , Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mohammad Jafar Habibzadeh

Professor ,Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Email: habibzam@modares.ac.ir)

(Received: 2021/08/22, Accepted: 2022/01/13)

Abstract

In different societies' political and public discourse, foreigners are considered to be responsible for drug offenses and make up a significant part of the criminal population of drugs offenses. Through theories like focal concerns, villain/ victim, in-group favoritism, and theory of ethnic threat, the present study examines the effect of the offender's nationality on sentencing and its severity in the practice of courts. In this regard, qualitative research methods have been used. In-depth interviews with judicial activists, drug lawyers, and officers of Drug Control Headquarters (15 cases) were used. The content of documents, including cases of drug offenses conviction (20 cases) and national courts verdicts about drug offenses of foreigners have been analyzed. The Findings show that through over-policing, immigrants (especially from the origin country of drugs or with low socio-economic status) are at the criminal justice system's focus. In addition, media representation of immigrants' crimes and its impact on public opinion and violation of the rules of hospitality by foreign offenders has led to immigrants being more blamable. finally, the lack of access to effective legal protection in the criminal justice system has provided grounds for discrimination against this group.

Keywords

Discrimination, Sentencing, Foreign Offenders , Drugs, Immigration.

* Corresponding Author; Email: farajihay@modares.ac.ir, fax: +98(21)82884257.

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۳، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۳۲۱ تا ۳۵۳ (علمی - پژوهشی)

تحلیل کیفرشناختی تبعیض در فرایند کیفردهی ناظر بر جرایم

مواد مخدر اتباع بیگانه؛ مطالعه تطبیقی

ثنا کاظم پور

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

(Email: sana.kazempour@gmail.com)

محمد فرجیها*

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

محمدجعفر حبیب‌زاده

استاد دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

(Email: habibzam@modares.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳)

چکیده

در گفتمان عمومی و سیاسی جوامع مختلف، اتباع خارجی مسئول جرایم مواد مخدر شناخته شده و بخش قابل توجهی از جمعیت کیفری مواد مخدر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از رهگذر نظریاتی چون دغدغه‌های کانونی، بزهکار شرور/ قربانی، جانب‌داری درون گروهی و نظریه تهدید قومی، به صورت تطبیقی به بررسی تأثیر ملیت متهم بر کیفردهی و شدت آن در رویه عملی دادگاه‌ها پرداخته می‌شود. روش این پژوهش کیفی است. در این راستا، از روش مصاحبه عمیق با کنشگران قضایی، وکلا و مأموران ستاد مبارزه با مواد مخدر (جمعاً ۱۵ نمونه) بهره گرفته شده است. همچنین از روش تحلیل محتوا با مراجعه به اسناد و مدارک (۲۰ نمونه از پرونده‌های مواد مخدر محکومان قضایی) و آرای دادگاه‌های ملی در خصوص مجازات جرایم مواد مخدر اتباع خارجی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جرایم ارتكابی مهاجران، به‌ویژه از کشورهای مبدأ مواد مخدر و یا دارای پایگاه اجتماعی ضعیف، به واسطه کنترل و بازرسی افراطی، در کانون توجه نظام عدالت کیفری قرار دارد. همچنین گزینش رسانه‌ای جرایم مهاجران و پیروی افکار عمومی از آن و نیز نقض مقررات مهمان‌نوازی از سوی مجرمان خارجی، در سرزنش‌پذیرتر بودن اقدام مهاجران تأثیر داشته و در نهایت، عدم دسترسی به حمایت حقوقی مؤثر در نظام عدالت کیفری زمینه تبعیض علیه این گروه را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی

تبعیض، کیفردهی، مجرمان خارجی، مواد مخدر، مهاجرت.

مقدمه

از منظر حقوقی باید با همه افراد جامعه با عدالت و احترام و به طور برابر رفتار شود و آنها نباید در معرض تبعیض قرار گیرند. اصل برابری در مقابل قانون، در قلب نظام‌های حقوقی سامان یافته قرار دارد. هرگونه تعصب و پیش‌داوری در اجرای قانون این ارزش را تهدید کرده، اعتماد به نظام عدالت کیفری را تضعیف می‌کند. از این رو، نابرابری در برابر قانون از دیرباز مورد توجه کیفرشناسان بوده و نظریه‌های متنوعی در تبیین تبعیض در نظام عدالت کیفری ارائه شده است. نقطه مشترک این نظریه‌ها آن است که اعمال مجازات‌های قانونی ممکن است از عوامل فراقانونی نظیر ویژگی‌های شخصی و اجتماعی متهم تأثیر پذیرد. بخش عمده‌ای از این پژوهش‌ها بر روی تبعیض نژادی متمرکز شده که اغلب با دوگانگی نژادی در ایالت متحده آمریکا مرتبط بوده است و نتایج آن نشان می‌دهد متهمان سیاه‌پوست معمولاً مجازات‌های سنگین‌تری نسبت به سفیدپوستان دریافت می‌کنند.^۱

هم‌زمان با افزایش جمعیت کیفری مهاجران خارجی، رفتارهای تبعیض‌آمیز نظام عدالت کیفری با بیگانگان یکی از بحث‌برانگیزترین مضامین در جامعه‌شناسی کیفری گردید. محققان پیرامون چگونگی اثرگذاری متغیر ملیت بر کیفردهی به نحو مثبت یا منفی وحدت نظر ندارند. پژوهش‌های اندکی از افراد خارجی به‌عنوان «برقهرمان» یاد می‌کنند که در صورت ارتکاب جرم، نظام کیفری برخورد ملایم‌تری با آنان دارد. برای نمونه در شرایطی که دادرسی کیفری کشور چین به دلیل عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه نسبت به اتباع خارجی بارها مورد انتقاد قرار گرفته است، پژوهشگران چینی بر این باورند اتباع خارجی محکومیت‌های خفیف‌تری در مقایسه با هم‌تایان چینی به‌ویژه در جرایم مواد مخدر دریافت می‌کنند. به‌زعم آنان، متهمان خارجی به‌ندرت محکوم به اعدام می‌شوند؛ اگرچه مشمول مجازات قانونی اعدام باشند (Liu et al., 2019: 429). پژوهشگران چینی استدلال می‌کنند که احکام صادره برای بیگانگان نتیجه عدالت استحقاقی نیست، بلکه احتیاط بیش‌ازحد در رسیدگی به پرونده‌های اتباع بیگانه، به دلیل ترس از آسیب‌رسانی به روابط خارجی و فشارهای دیپلماتیک است. همچنین برخی پژوهش‌ها در آمریکا نشان می‌دهد به‌منظور اخراج سریع‌تر مهاجران غیرقانونی، حبس‌های خفیف‌تری در مورد مهاجران به نسبت اتباع کشور اعمال می‌شود (Ivanov, 2020: 7)؛ درحالی که برخی یافته‌ها تفاوتی در احتمال محکومیت و یا شدت مجازات بر مبنای متغیر ملیت نشان نمی‌دهند (wu & spohn, 2010: 316). بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها، مهاجران و اقلیت‌های غیربومی را به‌مثابه

1. See: Spohn, C. (2000). Thirty years of sentencing reform: The quest for a racially neutral sentencing process. *Criminal Justice*, 27-501.

قربانیان نظام عدالت کیفری معرفی می‌نمایند که در آن تبعه بیگانه بودن موجب اعمال مجازات‌های شدیدتر یا اجرای سریع‌تر مجازات می‌شود (Brandon, 2018; Demuth, 2002; Light, 2017; Light & King, 2014; Logue, 2009). این پژوهش‌ها بر نیاز به مطالعات بیشتر در فرهنگ‌های مختلف با گروه‌های قومی و ملی متنوع و در جرایم گوناگون، برای دستیابی به دیدگاه وسیع‌تر و تعمیم گسترده‌تر در مورد رفتار نظام عدالت کیفری با اقلیت‌های قومی و ملی تأکید دارند.

پژوهش حاضر در صدد بررسی تأثیر متغیر ملیت بر کیفردهی مجرمان مواد مخدر است. علت تحدید موضوع به جرایم مواد مخدر ناشی از این امر است که مشکلات مواد مخدر در طول تاریخ با مهاجران خارجی شناخته شده است (Valadez, 2017: 671). همچنان که در گفتمان جنگ با مواد مخدر که دوگانگی خودی و غیرخودی، شهروند و بیگانه، قاچاقچی و مبارز پدیدار می‌شود، گروه خارجی‌ان در رأس دشمن فرضی جنگ با مواد مخدر قرار گرفته‌اند (Elwood, 1995: 104; Flusberg et al., 2018: 3). بنابراین در جرایمی که به صورت کلیشه‌ای با مهاجران ارتباط دارد، به نظر می‌رسد تأثیر ملیت متهم بر کیفردهی به شکل ملموس‌تری بروز می‌یابد، به خصوص آنکه جرایم مواد مخدر مهم‌ترین اتهام اتباع بیگانه در کشورهای مختلف است (Joseph, 2006: 148).

در ایران نیز جرایم مواد مخدر را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک سوژه کیفری تحلیل نمود. نگرش ایدئولوژیک به مقوله مواد مخدر بعد از انقلاب اسلامی و پیوند قاچاق مواد مخدر با دشمن به‌عنوان «توطئه‌ای برای تضعیف نظام»^۲ و تلقی مجرمان مواد مخدر به‌مثابه «عاملان استکبار»^۳ موجب اتخاذ رویکرد امنیتی نسبت به جرایم مواد مخدر، از رسیدگی در محاکم انقلاب هم‌ردیف جرایم علیه امنیت کشور تا پیش‌بینی مجازات‌های شدید شده است. در این راستا، این پژوهش با اتخاذ رویکرد تطبیقی با محوریت کشورهای آمریکا و ایران و

۱. در گفتمان سیاسی کشورها نیز مهاجران بارها آماج جنگ با مواد مخدر قرار گرفته‌اند. همچنان که گرفتن انگشت اتهام به سمت مهاجران به بهانه وارد کردن مواد مخدر به آمریکا، شعار محوری در کمپین دونالد ترامپ علیه مهاجرت بود. تلاش‌های وی برای گسترش اجرای قانون مهاجرت، افزایش اخراج مهاجران و ساختن دیواری در مرزهای جنوبی ایالات متحده با مکزیک نیز در این راستا بوده است (Tosh, 2021: 2).

۲. برای نمونه، می‌توان به «هشدار مراجع عظام تقلید نسبت به توطئه آمریکا برای جوانان ایرانی» اشاره داشت: «این‌همه آلودگی به تریاک در کشور با وجود ممنوعیت آن نشان‌دهنده دست‌های خارجی است. آمریکایی‌ها به افغانستان آمدند تا با کشت تریاک جوانان کشورهای اسلامی را آلوده کنند»، (خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۳۵۸۹۵۹۱۹، آذر ۱۳۹۸).

۳. برای مطالعه بیشتر، نک: حدادزاده، محمدرضا (۱۳۹۷). تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، صص ۵۷-۵۶.

به تناسب اشاره موردی به نمونه‌هایی از کشورهای اروپایی و آسیایی، با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که ملیت متهم چه تأثیری بر کیفردهی و شدت آن در رویه عملی دادگاه‌ها دارد و چه عواملی بر خورد کیفری متفاوت با مجرمان خارجی^۱ را توجیه می‌کند. در این راستا پس از ذکر روش تحقیق، جلوه‌هایی از تبعیض در کیفردهی اتباع خارجی در کشورهای مختلف بیان می‌شود و سپس از رهگذر نظریه‌هایی چون دغدغه‌های اصلی، بزهکار شرور/ قربانی، جانب‌داری درون‌گروهی و نظریه تهدید قومی با تلفیقی از یافته‌های تجربی تأثیر ملیت متهم بر کیفردهی و شدت آن در رویه عملی دادگاه‌ها مطالعه شده، سرانجام چگونگی تبعیض علیه مهاجران در فرایند کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت با جمع‌بندی مطالب ارائه شده، پیشنهادهایی به منظور بهبود عملکرد نظام عدالت کیفری در برخورد با مهاجران ارائه می‌شود.

۱. روش تحقیق

نگارندگان مقاله حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های کیفرشناختی نظیر نظریه دغدغه‌های اصلی و نظریه جانب‌داری درون‌گروهی و خوانش‌های مختلف آن، با کاربست روش‌های کیفی، درصدد تحلیل چگونگی تأثیرگذاری ملت متهم بر تعیین نوع و میزان مجازات در فرایند کیفری‌اند. در این راستا برای روشن شدن انگیزه تشدید مجازات در خصوص مهاجران که به‌طور معمول در متن دادنامه‌های داخلی منعکس نمی‌شود، از روش مصاحبه عمیق با کنشگران قضایی، وکلا و مأموران ستاد مبارزه با مواد مخدر بهره گرفته شده است. به‌منظور تکمیل داده‌های به‌دست آمده از روش مصاحبه عمیق، از شیوه تحلیل محتوای اسناد و مدارک قضایی از جمله دادنامه و پرونده‌های قضایی داخلی، آرای دادگاه‌های ملی، تحلیل محتوای گزارش‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از رهگذر منابع رسمی (کتاب‌ها، اخبار، مقالات و گزارش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی) که بازتاب‌دهنده اطلاعاتی در خصوص محکومان خارجی در جرایم مواد مخدر می‌باشند نیز استفاده شده است.

۱.۱. روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری هدفمند است و بر اساس آن صرفاً

۱. مقصود از مجرم خارجی/ مجرم مهاجر در این مقاله فردی است که فاقد تابعیت کشوری است که در نظام کیفری آن تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. کارگران مهاجر، پناهجویان، افرادی که به صورت قاچاقی قصد ورود به یک کشور را دارند و یا کسانی که هنگام سفر به خارج از کشور مرتکب جرم می‌شوند، در این دسته قرار دارند.

پرونده‌های مواد مخدر که مستوجب مجازات اعدام یا حبس هستند، انتخاب شده است. معیار جمع‌آوری داده‌ها، اشباع نظری بوده و داده‌های آن شامل ۲۰ نمونه از پرونده‌های مواد مخدر اتباع داخلی و اتباع بیگانه در ایران در بازه سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ است که به‌نوعی در معرض محکومیت بوده‌اند. این داده‌ها از طریق مراجعه حضوری به واحد اجرای احکام کیفری دادگاه انقلاب اسلامی یکی از استان‌های غربی کشور (خرداد تا شهریور ۱۳۹۹) و مطالعه و یادداشت‌برداری از پرونده‌ها به‌دست آمده است.

مصاحبه‌های این پژوهش از نوع عمیق و نیمه‌ساختارمند است که منحصرأ با افرادی که در خصوص پرونده‌های جرایم مواد مخدر، اطلاعات و شناخت مناسبی داشتند، مصاحبه صورت گرفته است که شامل کنشگران بخش‌های مختلف از جمله قضات دادگاه انقلاب و واحد اجرای احکام کیفری و مأموران ستاد مبارزه با مواد مخدر و وکلای متخصص در حوزه مواد مخدر است. روند مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری (۱۵ مصاحبه) ادامه یافته است. مشخصات مصاحبه‌شوندگان و مدت مصاحبه به همراه پروتکل مصاحبه، به‌صورت تفصیلی در پیوست شماره ۱ و ۲ مقاله آمده است. گفتنی است با توجه به تطبیقی بودن موضوع، آرای محاکم کیفری کشورهای خارجی در خصوص پرونده‌های مواد مخدر اتباع خارجی نیز مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲. تورم جمعیت کیفری مهاجران در نظام عدالت کیفری تطبیقی

نگاهی کوتاه به داده‌های تجربی نشان می‌دهد مهاجران اعم از قانونی و غیرقانونی، نسبت به اتباع یک کشور بیشتر محکوم به حبس می‌شوند و یا مجازات‌های شدید نظیر اعدام در مورد آنان اجرا می‌گردد. بهترین نمونه مستند از بازنمایی بیش‌از‌حد اقلیت‌ها در نظام عدالت کیفری، نمونه‌ای از نظام کیفری امریکا است که نیمی از مجرمان فدرال، فاقد تابعیت ایالات متحده هستند (Light, 2017: 34).

با آنکه اغلب حمل‌کنندگان خارجی نسبت به اتباع داخلی نقش خرده‌پا و جزئی دارند که از سوی باندهای مواد مخدر برای حمل مواد به‌کار گرفته می‌شوند (Scalia, 1996: 2)، تعداد نامتناسب اتباع خارجی که به جرایم مواد مخدر محکوم شده‌اند، عامل مهمی در افزایش جمعیت کیفری مهاجران است (Banks, 2011: 6). در ایرلند یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که مردان خارجی بین ۵ تا ۱۱ برابر بیشتر از مردان ایرلندی به حبس محکوم می‌شوند و در جرایم مواد مخدر، مجازات‌های طولانی‌تری (به‌طور متوسط ۱۰ ماه حبس بیشتر) از اتباع ایرلندی دریافت می‌کنند (Brandon, 2018: 14). در آلمان، ۴۴/۵ درصد از اتهامات مربوط به قاچاق مواد مخدر به اتباع خارجی اختصاص یافته است، درحالی که کمتر از ۹ درصد از کل جمعیت آلمان را تشکیل می‌دهد (Paoli & Reuter, 2008: 16).

اتباع خارجی به‌ویژه از کشورهای آسیایی، همچنین به صورت نامتناسبی در معرض مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر هستند. برای نمونه در عربستان سعودی در سال ۲۰۱۵، ۴۶ درصد از اعدام‌شدگان را (۷۳ از ۱۵۸ نفر) اتباع خارجی تشکیل می‌دادند و در سال ۲۰۲۰، همه ۵ نفری که در خصوص جرایم مواد مخدر در این کشور اعدام شدند، از اتباع خارجی بودند. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی یک فرد خارجی سه برابر یک شهروند سعودی با احتمال اعدام در جرایم مواد مخدر مواجه است (HRI, 2021: 44).

در اندونزی در سال ۲۰۱۴، از ۱۴ نفر اعدام‌شده برای مواد مخدر، ۱۳ نفر تبعه خارجی بودند (Fleetwood, 2017: 363). در مالزی اتباع خارجی به‌ویژه از کشورهای نیجریه، ایران و اندونزی، بیش از نصف جمعیت در انتظار اعدام برای جرایم مواد مخدر را تشکیل می‌دهند که از شانس اندکی در مرحله تجدیدنظر برای رهایی از اعدام برخوردارند (Hoyle & Girelli, 2019: 1).
گفتنی است این تفاوت لزوماً به مجازات‌های شدید معطوف نمی‌شود، بلکه پیرامون شرایط مخففه و معاذیر معاف‌کننده نیز وجود دارد (Lehmann & Gomez, 2021)؛ با این توضیح که مهاجران به نسبت اتباع یک کشور شانس کمتری در بهره‌مندی از نهادهای ارفاقی چون آزادی مشروط، تعلیق مجازات و همچنین عفو دارند. برای مثال، نرخ بالای اعدام اتباع خارجی در عین حال که می‌تواند ناشی از نرخ بالای ارتکاب جرم و یا کیفی‌تری بیشتر این مجرمان باشد، می‌تواند به علت اعطای کمتر عفو به مجرمان بیگانه در مقابل اتباع داخلی نیز صورت گیرد (Wolfgang et al, 1962: 307).

در ایران به‌رغم آنکه مهاجران افغانستانی صرفاً یک درصد جامعه را تشکیل می‌دهند، سه درصد از جمعیت کیفری را شامل می‌شوند. آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد که طی دو دهه گذشته، بسیاری از شهروندان افغانستان به جرایم مواد مخدر در ایران به اعدام محکوم شده‌اند. برای مثال، در سال ۲۰۱۰ حدود ۳۰۰۰ افغان در ایران در معرض مجازات اعدام بودند که بیشتر آنها با اتهام قاچاق مواد مخدر مواجه بوده‌اند (Hoyle & Girelli, 2019: 1). یافته‌های تجربی حاکی از آن است که ارسال پرونده به کمیسیون عفو در خصوص محکومان مهاجر به‌مثابه آیین تشریفاتی برای اجرای حکم است. به عبارت روشن‌تر، ارسال پرونده به این کمیسیون، نه به منزله کورسوی امیدی برای عفو، که همچون تشریفاتی اداری برای کنارگذاشتن موانع اجرای حکم قابل ارزیابی است.

نرخ بالای جمعیت کیفری مهاجران در جرایم مواد مخدر، لزوماً به معنای تبعیض‌آمیز بودن نظام عدالت کیفری نیست، بلکه ممکن است در نتیجه عوامل قانونی باشد. پیرو این امر بین دو مفهوم تفاوت و تبعیض بایستی قائل به تفکیک شد^۱. یافته‌های جرم‌شناسی

۱. تبعیض (discrimination) شامل پیش‌داوری یا تعصب عمدی از طرف مقامات کیفری است؛ به تعبیری رفتار

نشان می‌دهد اتباع خارجی درگیر در جرایم مواد مخدر معمولاً نسبت به اتباع کشور از سطح پایین تحصیلات برخوردارند و میزان بیکاری بالاتر و مداوم‌تری را نسبت به اتباع کشور تجربه می‌کنند (Light et al., 2014: 836) و این امر موجب می‌شود فرصت‌های کمی برای یافتن شغل در اقتصاد مشروع داشته و عملاً مجبور به یافتن مشاغل کوچک غیرقانونی باشند. از آنجا که مواد مخدر فرصت‌های انکارشده در بازار کار قانونی را فراهم می‌کند، مهاجران غیرقانونی ممکن است بیشتر درگیر بازارهای مواد مخدر شوند که به‌طور معمول پایین‌ترین و خطرناک‌ترین سطح توزیع مواد مخدر (فروشنده خیابانی) را اشغال می‌کنند (Light & Miller, 2018: 373). در ایران نیز برخی از مهاجران که از آنان به‌عنوان غربتی‌ها یا کولی‌ها یاد می‌شود، افرادی هستند که در مناطق حاشیه‌نشین به‌طور مشترک با چند خانوار در خانه‌های استیجاری در محله‌ها استقرار دارند که به‌واسطه فقر اقتصادی به خرید و فروش مواد مخدر روی آورده‌اند (صادقی، ۱۳۹۶: ۶۳).

گروهی از محققان معتقدند تعداد بالای جمعیت کیفری مهاجران ناشی از فعالیت‌های مجرمانه آنان است و نه تبعیض آمیز بودن نظام عدالت کیفری. اما تعمیم این نظر به کل جامعه مهاجران، قضاوت چندان‌ه‌ای به‌نظر نمی‌رسد. این احتمال وجود دارد که جرایم مواد مخدر به‌طور نامتناسب گروه‌های اقلیت قومی یا طبقات پایین اجتماعی را هدف قرار داده باشد؛ همچنان که سیاست‌های جنگ با مواد مخدر، جنگ علیه اقلیت‌ها تلقی شده است. بر این اساس با وجود کنترل فاکتورهای قانونی، مهاجران همچنان به نسبت اتباع یک کشور بیشتر در معرض محکومیت و اجرای مجازات در جرایم مواد مخدر هستند.

۳. رویکرد نظریه‌مند به تبعیض در فرایند کیفردهی

پدیده تبعیض در کیفردهی شامل نظریه‌های متعددی است که از جنبه‌های مختلف در سطح خرد و کلان چرایی و چگونگی بروز این پدیده را تبیین نموده‌اند. در این پژوهش، از میان چند نظریه اصلی که تبعیض خرد در کیفردهی را تبیین می‌نمایند از نظریه‌های دغدغه‌های اصلی، بزهکار شرور/ قربانی و جانب‌داری درون‌گروهی استفاده شده و سپس نظریه تهدید به‌منظور تبیین تبعیض کلان مورد بررسی قرار گرفته است.

۳.۱. نظریه دغدغه‌های اصلی (focal concerns)^۱

بر اساس این دیدگاه، قضات در طول تصمیم‌گیری در خصوص کیفردهی به سه دغدغه اساسی تکیه می‌کنند:

۱. سطح سرزنش‌پذیری متهم؛ ۲. حمایت از جامعه؛ ۳. محدودیت‌ها و پیامدهای عملی کیفردهی. عوامل قانونی و فراقانونی می‌توانند بر ارزیابی قضات از متهمان حول این سه دغدغه اثر گذارد (Steffensmeier et al., 1998: 766).

نظر به اینکه قضات در فرایند دادرسی از زمان محدودی برخوردارند و اطلاعات یا زمان کافی برای ارزیابی تمام ابعاد مربوط به پیشینه متهم را ندارند، جهت تسهیل فرایند ارزیابی متهمان در خصوص سه دغدغه، به تند ادراکی (shorthand prectucal) متوسل می‌شوند. این ادراک بر اساس کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌هایی بنا شده که با عوامل فراقانونی مانند قومیت، جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی در ارتباط است (Light, 2017: 37). کنشگران کیفری وقتی با تردید روبرو می‌شوند (مثلاً چه کسی خطرناک است و چه کسی نیست) به این تندادراکی استناد می‌جویند.

در این فرض، عوامل فراقانونی با دغدغه‌های اصلی درهم تنیده می‌شود تا قضات را در تصمیم‌گیری پیرامون کیفر مجرمان متأثر سازند. همچنان که یکی از قضات مصاحبه‌شونده (ش. ۳) بیان می‌کند: «در پرونده‌های پیچیده قاضی نه وقت دارد و نه ذهنش می‌کشد همه جزئیات را مطالعه کند، خیلی وقت‌ها لوایح را هم فرصت نمی‌کند بخواند». مصاحبه‌شونده دیگری (ش. ۶) (وکیل دادگستری) بیان می‌دارد: «برخی مواقع قاضی بر اساس ظاهر یا قومیت متهم در همان در ورودی دادگاه، در ذهنش رأی رو صادر کرده، برگزاری جلسه فقط تشریفات هست». بر این اساس، خانه‌های خالی ذهن قضات در هنگام ارزیابی متهمان ممکن است با کلیشه‌های ذهنی پر شود.

پژوهش‌های کیفرشناختی عموماً نشان می‌دهد خارجی بودن و کلیشه‌های منفی نسبت به مهاجران می‌تواند در افزایش سطح سرزنش‌پذیری متهم نقش داشته باشد (Valadez, 2017: 671). علاوه بر این، مهاجران غیرقانونی به دلیل نقض قوانین ورود به کشور و یا جعل مدارک، افزون بر جرم ارتكابی، به واسطه تعدد جرم سرزنش‌پذیرتر محسوب (sayad, 2004: 282; Banks, 2011: 15) و به حبس‌های طولانی‌تری محکوم می‌شوند.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص این نظریه، نک:

Hartley, R. D. (2014). Focal concerns theory. The encyclopedia of theoretical criminology, 1-5. Steffensmeier, D., Ulmer, J., & Kramer, J. (1998). The interaction of race, gender, and age in criminal sentencing: The punishment cost of being young, black, and male. *Criminology*, 36(4), 763-798. Steffensmeier, D., Painter-Davis, N., & Ulmer, J. (2017). Intersectionality of race, ethnicity, gender, and age on criminal punishment. *Sociological Perspectives*, 60, 810-833.

به دلیل آنکه به‌طور معمول مهاجران خارجی از ثبات شغلی برخوردار نیستند یا تحصیلات پایین و یا وضعیت اقتصادی نامطلوبی دارند، ممکن است از نظر کنشگران نظام عدالت کیفری خطرناک‌تر و تهدید کیفری علیه امنیت عمومی محسوب شوند. در این میان نقش رسانه‌ها در دامن زدن به کلیشه‌های ذهنی پیرامون حالت خطرناک و استعداد جنایی اقلیت‌های قومی را نباید نادیده انگاشت. همان‌طور که در امریکا، بازنمایی رسانه‌ای مردان سیاه‌پوست در تعداد محدودی از نقش‌ها است که اکثر آنها منحرف، خطرناک و ناکارآمد هستند، در ایران رسانه‌ها به‌ویژه اخبار و سریال‌های تلویزیونی اتباع افغانستان را به صورت منفی نمایش می‌دهند (بیچرانلو و طاهری، ۱۳۹۹: ۱۳۳) و گاهی آنها از سوی مردم با برچسب‌های مختلفی نظیر بزهکاران، معتادان خیابانی و قاچاقچی یاد می‌شوند که بعید نیست این کلیشه‌ها بر ارزیابی کنشگران کیفری پیرامون حالت خطرناک متهم اثرگذار باشد.

با توجه به اینکه به‌موجب مواد ۲۳ و ۳۵ قانون مجازات اسلامی ممکن است اتباع بیگانه به‌عنوان مجازات تکمیلی بعد از گذراندن دوره محکومیت از کشور اخراج شوند، احتمال ارتکاب مجدد جرم از سوی اتباع بیگانه (حالت خطرناک) در کشور کاهش می‌یابد؛ از این رو، سطح سرزنش‌پذیری مرتکب، دلیل قوی‌تری برای افزایش احتمال محکومیت مجرمان غیرایرانی به‌نظر می‌رسد.

۲.۳. نظریه شرور - قربانی (Villain - Victim perspective)

نظریه شرور - قربانی فرایندی را که چه کسی مجرم یا منحرف تلقی شود، توصیف می‌کند. در فرایند تعریف منحرف، رفتار ارتكابی فرد نسبت به ویژگی‌های فردی - اجتماعی وی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، به‌عنوان «منحرف» برچسب‌زنی نمی‌شوند. قدرت مجرمان برای مقاومت در برابر برچسب‌زنی نظام عدالت کیفری، غالباً متکی بر منابع اقتصادی - اجتماعی آنها است. به بیان دیگر، موقعیت و قدرت فرد تعیین می‌کند چه کسی با برچسب منحرف مواجه باشد و عمل ارتكابی فرد کمتر مبنای برچسب‌زنی است. هرچه موقعیت اجتماعی یا نفوذ فرد متخلف بیشتر باشد، احتمال گریز از برچسب منحرف بیشتر خواهد بود (Goode, 1996: 143; qtd. in Pasko, 2002).

اگرچه مجازات‌های کیفری به‌عنوان تجلی اجتماعی قضاوت اخلاقی در مورد رفتارهایی که «بد» تلقی می‌شوند، محسوب می‌گردد، اما چنین قضاوتی‌هایی از رفتار مجرمانه، همیشه به مرتکب جرم تسری پیدا نمی‌کند. به‌رغم رایج بودن کلیشه بزهکار شرور، ممکن است مجرمان گاهی به‌عنوان یک آدم خوب یا قربانی - شخص محترمی که متحمل رنجی است که سزاوارش نیست - شناخته شوند؛ گروه قومی یا طبقه اجتماعی بزهکار نیز ممکن است در برچسب‌زنی به‌عنوان بزهکار شرور یا بزهکار قربانی تأثیر داشته باشد که نوع برخورد کیفری با مرتکب را توجیه نماید.

مجرمان مواد مخدر نیز با توجه به منابع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، برچسب شرور یا قربانی را دریافت می‌کنند. بزهدار شرور در جرایم مواد مخدر، فروشنده رده‌بالای مواد مخدر است که تصور می‌شود با شبکه‌های سازمان‌یافته مواد مخدر ارتباط دارد یا دارای سوابق متعدد محکومیت کیفری است. برچسب شرور حکایت از آن دارد که فرد یک خطر یا تهدید است، بنابراین با مجازات شدید مواجه است. از سویی، بزهدار قربانی، جوانی معتاد، قاچاقچی خرده‌پا یا حامل ساده مواد است که به‌عنوان مسئول اصلی مشکلات اجتماعی مرتبط با تجارت مواد مخدر شناخته نمی‌شود. برچسب قربانی نشان می‌دهد که بزهدار سزاوار مجازات خفیف‌تر است (Pasko, 2002: 312). برچسب‌ها صرفاً بر اساس نوع مشارکت فرد در جرایم مواد مخدر اطلاق نمی‌شوند. برچسب شرور همچنین برای کسانی اعمال می‌شود که اگرچه طبق نوع مشارکت در این دسته‌بندی قرار ندارند، اما به‌واسطه کلیشه‌ها و نگرش‌های منفی به گروه متعلق به آن، شرور تلقی می‌شوند. کلیشه‌ها پیرامون رابطه قومیت بزهدار با تجارت مواد مخدر، مجازات‌های شدیدتر را برای متهم دربر دارد (tosh, 2021: 6; Steffensmeier & Demuth, 2000: 710; steen, 2005: 437; Mitchell, 2015: 293).

در آمریکا، اسپانیایی‌زبان‌ها به‌عنوان قاچاقچیان مواد مخدر مرتبط با امریکای جنوبی شناخته می‌شوند و به‌واسطه مواجهه با برچسب شرور در جرایم مواد مخدر مجازات‌های شدیدتری دریافت می‌کنند (Pasko, 2002: 322). درحالی‌که سایر اتباع آمریکا در صورت عدم مشارکت گسترده در جرایم مواد مخدر، به‌عنوان بزهدار قربانی و مستحق مجازات‌های خفیف در نظر گرفته می‌شوند. در ایران کلیشه‌های رایج پیرامون مقصر دانستن افغانستانی‌ها برای ورود مواد مخدر به کشور منجر به آن شده که این گروه به‌عنوان گروه خطر با برچسب قاچاقچی شرور مواجه شوند و در پی آن مجازات‌های شدیدتری دریافت کنند. کلیشه مهاجر بزهدار که اغلب با قاچاق مواد مخدر ارتباط دارد به‌قدری رایج است که در صورت عدم ارائه مدارک هویتی متهم در برخی استان‌ها، پیش‌فرض عبارت متهم افغانستانی در پرونده قضایی درج می‌شود (الله یورتی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). مصاحبه‌شونده ش. ۷ (کنشگر قضایی) در خصوص وضعیت متهمان افغانستانی در نظام کیفری ایران بیان می‌کند: «این افغانی بودن - که به‌ندرت در عرف قضایی افغانستانی خطاب می‌شوند - انگار به برچسب مجرمانه است، به‌صرف اینکه طرف افغانی هست، بعضی قضات می‌گن حتماً این مجرم هست و خیلی راحت‌تر حکم میدن». مصاحبه‌شونده ش. ۱ (وکیل دادگستری) بیان می‌کند: «وقتی بین دستگیرشدگان افغانی هست، همیشه انگشت اتهام به سمت اون میره و یه جورایی همه تقصیرها گردن اون می‌افته، به‌خصوص در مواد مخدر معمولاً حکم شدیدتری می‌گیرند و تعلیق کمتری دارند». از این رو، به‌نظر می‌رسد کلیشه‌های مرتبط با گروه قومی بزهدار موجب می‌شود مرتکب جرم - فارغ از نوع عمل ارتكابی - با برچسب شرور مواجه بوده، به‌واسطه این برچسب‌زنی، احتمال محکومیت و مجازات وی افزایش یابد.

۳.۳. نظریه جانب‌داری درون‌گروهی (In-group favoritism)

این نظریه برای تبیین تبعیض فردی کنشگران قضایی پیشنهاد شده که با ایده‌های جرم‌شناسی دیگری گره خورده است. وفق نظریه هویت اجتماعی (social identity) و خودمقوله‌بندی (self-categorization)^۱، انسان‌ها تمایل دارند خود را بر اساس ویژگی‌هایی نظیر ملیت، نژاد، قومیت، جنسیت یا سن و... در قالب عضو یک گروه طبقه‌بندی نمایند و احساس تعلق به گروه را به‌عنوان قسمتی از مفهوم خود درونی کنند. این امر موجب ایجاد گرایش‌های درونی به جانب‌داری از گروه خودی در برابر افراد برون‌گروهی می‌شود.

هسته اصلی تحقیقات در مورد جانب‌داری درون‌گروهی آن است که افراد به‌طور ناخودآگاه افراد درون‌گروهی یا «ما» را با خصوصیات مثبت و افراد برون‌گروهی یا «آنها» را با خصوصیات منفی توصیف می‌نمایند^۲ (Fishman et al., 2006: 73; Smith et al., 2014: 895). جانب‌داری ملی یکی از اشکال مختلف جانب‌داری اجتماعی است. مهاجران به دلیل داشتن هویت متفاوت از هویت ملی، جلوه‌ای از این دیگرپنداری در نگاه گروه غالب جامعه‌اند و در تقابل دوگانه خودی (بومی) و دیگری (بیگانه مهاجر) قرار دارند که این امر زمینه را برای اتخاذ رویکردهای تبعیض‌آمیز فراهم می‌آورد (Mihelj Plesničar, 2019: 32).

جانب‌داری درون‌گروهی به‌وجودآورنده غروری است که الزاماً با نفی برون‌گروه‌ها و نگرش خصمانه یا تحقیرآمیز نسبت به آنها همراه است (هاشمیان‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۲). تحقیقات تجربی نشان می‌دهد افراد جامعه نسبت به اشخاصی برون‌گروهی که آنها را غریبه یا به هر دلیلی متفاوت از خود می‌دانند، واکنش قهری نشان می‌دهند. سیاست‌های نظام عدالت کیفری نیز همسو با این دیدگاه، افراد برون‌گروهی را فرومایه، خطرناک، مجرم و منحرف ترسیم می‌کند؛ لذا بدیهی است کنشگران نظام عدالت کیفری نسبت به گروهی که به آن احساس تعلق دارند با واکنش ملایم‌تری برخورد نمایند و به گروه غیرخودی واکنش شدیدتری داشته باشند.

در این راستا مصاحبه‌شونده ش. ۱۵ (کارآموز قضاوت) که به صورت مشارکتی در جلسات دادرسی متهمان افغانستانی حضور داشته است، بیان می‌کند: «برخی قضات بارها به متهم

1. See: Hornsey, M. J. (2008). Social identity theory and self-categorization theory: A historical review. *Social and personality psychology compass*, 2(1), 204-222.

۲. نظریه «فردست‌انگاری» از دیگر نظریه‌های مطالعات روان‌شناسی اجتماعی که در همین چارچوب مفهومی مورد توجه قرار گرفته است؛ با این توضیح که به لحاظ روان‌شناختی، مطالعات تجربی نشان داده‌اند که افراد گرایش دارند به بیگانگان (افراد برون‌گروه) به‌گونه‌ای بنگرند که گویی نسبت به افراد خودی (درون‌گروه)، واجد انسانیت کمتری هستند. در نگاه شهروندان، این گروه‌ها مستحق برخورد شدیدند. این امر زمینه برخورد‌های تبعیض‌آمیز و گاه با شدت کیفری را فراهم می‌آورد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. غلامپور، مهدی (۱۳۹۸). تحلیل جرم‌شناختی مرگ در زندان، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.

گوشزد می‌نمایند که وی افغانی است و با این تأکید به صورت تحقیرآمیزی مرزی بین خود و متهمان ایجاد می‌کنند. در عین حال برخی از متهمان افغانستانی در جلسات بازجویی با تأکید بر داشتن مذهب شیعه سعی می‌کنند خودشان را در گروه خودی جای دهند، بعضی از جلسات بازجویی به چالش شیعه یا سنی بودن متهمان افغان تبدیل می‌شود. چراکه قضات در صحت آن تردید می‌ورزند». تحلیل محتوای دفاعیات متهمان گروه اقلیت‌های قومی در جرایم مواد مخدر نیز نشان می‌دهد، این متهمان با تصور اینکه در صورت وجود نقاط مشترک و یا قرار گرفتن در گروهی که کنشگر قضایی به آن احساس تعلق دارد، می‌توانند سرزنش کمتری داشته باشند، در متن دفاعیه‌ها و لوایح، خود را منتسب به گروه اکثریت معرفی می‌کنند. برای نمونه در پرونده مردی متهم به خرید ۱۰ کیلو و ۷۹۰ گرم مواد مخدر از نوع کراک از منطقه‌ای که همه اهالی آن سنی‌مذهب هستند با خطی برجسته یادداشت نموده بود: «عالی‌مقام، فردی هستم شیعه اثنی‌عشری و معتقد به آرمان‌های امام راحل (ع) ...»؛ این عبارت به خوبی بیانگر آنان است که متهم فرض دارد تأکید بر مذهب مشترک می‌تواند راهی برای قرار گرفتن در گروه خودی و کاهش سرزنش باشد. این کلیشه در لابه‌لای دفاعیات و کلا از سنی‌مذهب‌ها (اعم از اتباع خارجی و یا داخلی) نیز به چشم می‌خورد. گویا سنی‌مذهب بودن مترادف قاچاقچی مواد مخدر یا ضدانقلاب بودن است؛ لذا حتی در مواردی که در هیچ‌یک از اوراق و جلسات بازجویی دادگاه اشاره‌ای به مذهب یا ضدانقلابی بودن متهم نشده است، بخشی قابل توجهی از دفاعیات با تأکید بر انقلابی بودن متهم، حضور فرد در دفاع مقدس، در صدد رفع اتهام نانوشته یا زدودن کلیشه رایج است. برای نمونه می‌توان به لایحه یک وکیل دادگستری (تعیینی) در دفاع از یک مهاجر سنی‌مذهب اشاره داشت: «خانواده موکل جزء مهاجرین هستند که به علت هجمه و سوءقصد های گروهک‌های ضدانقلاب از کاشانه خود به سمت این منطقه مهاجرت نموده‌اند. ضمن رد اتهام منتسبه به موکل، با توجه به اینکه موکل از خانواده‌ای می‌باشد که علی‌رغم تحریکات افراد منطقه، مبنی بر ضدیت با انقلاب و عدم همکاری با سپاه، سال‌ها در خدمت نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده و این مزید بر علت است که اهالی منطقه مزبور این خانواده را غریبه می‌دانند. از آنجاکه از چنین منطقه که متأسفانه به منطقه قاچاق مواد مخدر نیز معروف است و از چنین خانواده‌ای انتظار جان‌فشانی که نه بلکه انتظار دشمنی با نظام می‌رود و سابقه منطقه نیز چنین است، موکل بارها مورد تهدید گروهک‌های ضدانقلاب بوده است». به نظر می‌رسد وکیل متهم با تلاش برای برجسته‌سازی نقاط اشتراک، سعی می‌کند از ویژگی‌های گروهی که به‌زعم وی غیر خودی است و ممکن است متهم را با مجازات‌های سخت‌تر مواجه کند، اعلام براءت نماید. اگرچه در هیچ‌یک از اوراق پرونده، اشاره‌ای به این ویژگی‌ها از سوی کنشگران مشاهده نمی‌شود.

۳.۴. نظریهٔ تهدید قومی (ethnic threats)

مجازات به‌واسطهٔ خصیصهٔ سرکوبگری، برخورداری از چهرهٔ اخلاقی و نیز قدرت قاعده‌مندسازی رفتارها همواره مورد توجه گروه‌های قدرت بوده است (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴: ۱۴). مجازات‌های کیفی نه‌تنها از شدت جرایم، بلکه از تهدید ادراکی از جانب «جمعیت مشکل‌ساز» تأثیر می‌پذیرند (Garland, 1990, qtd. in Jacobs et al., 2005: 657). در این مفهوم مجازات به‌مثابه ابزاری برای حراست از منافع گروه قدرت و کنترل تهدید ناشی از طبقات خطرناک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر اساس نظریهٔ تهدید، تبعیض علیه افراد گروه اقلیت، زمانی صورت می‌پذیرد که اعضای گروه غالب احساس کنند حضور یا اقدامات گروه اقلیت، موقعیت آنان را به‌خطر می‌اندازند و به‌عنوان واکنش دفاعی نسبت به گروه اقلیت، دچار خصم و تعصب می‌شوند (Jacobs & Carmichael, 2002: 36). با افزایش تعداد اعضای گروه اقلیت، اعضای گروه اکثریت معمولاً سطح بالاتری از تهدید را دریافت می‌کنند. البته افزایش جمعیت گروه اقلیت به‌عنوان منبع تهدید، با افزایش واقعی نرخ جمعیت گروه اقلیت ملازمه‌ای ندارد، بلکه برداشت شخصی گروه اکثریت ملاک است. تهدید ادراکی می‌تواند به شکل تهدید اقتصادی و سیاسی و یا تهدید کیفی باشد. در این شرایط، برخی از اعضای گروه غالب، برحسب تعصبات خود به ابزارهایی نظیر رأی دادن به کاندیداهای تندرو، حمایت از قوانین علیه اقلیت‌ها و یا استفاده از نظام عدالت کیفی برای کنترل اقلیت‌ها متوسل می‌شوند (Wang, 2012: 746).

اگرچه این نظریه در ابتدا پیرامون اقلیت‌های نژادی مطرح گردید، اما تحقیقات کیف‌شناختی نشان می‌دهد برای سایر گروه‌های قومی قابل رشد از جمله مهاجران خارجی نیز کاربرد دارد. استفاده از نظام کیفی علیه مهاجران، از حیث نظریهٔ تهدید ناظر به مناطقی است که جمعیت گروهی مهاجران قابل توجه باشد و یا از سوی گروه اکثریت رو به افزایش باشد (Light et al., 2014: 841). به‌طور خاص هنگامی که شرایط اقتصادی کشوری نامناسب باشد، اعضای گروه غالب امکان دارد گروه اقلیت را به دلیل آسیب اقتصادی سرزنش کنند که به افزایش پیش‌داوری و نگرش منفی نسبت به گروه اقلیت منجر می‌شود. نفرت عمومی در جامعه از طرف گروه‌های کم‌بضاعت و کارگر که کاهش دستمزد و بیکاری خود را ناشی از وجود مهاجران می‌بینند و دیگر گروه‌های جامعه که مهاجران را سبب نابودی فرهنگ، زبان و نژاد خود و عاملان جرم و ناامنی به‌شمار می‌آورند، به خشونت و تبعیض‌های عملی علیه گروه‌های اقلیت مهاجر می‌انجامد (بیگ‌زاده و سرفراز، ۱۳۹۰: ۳۷۷).

۱. برابر یافته‌های کیف‌شناختی در حوزه‌های قضایی که بیشتر ساکنان آن بومی هستند، اجرای مجازات اعدام کمتر است. این رابطه احتمالاً مبتنی بر خصومت پنهان با غریبه‌ها و عدم تمایل به استفاده از مجازات‌های شدید علیه افرادی است که به‌عنوان همسایه در نظر گرفته می‌شوند (Jacobs et al., 2007: 627).

یافته‌های تجربی نشان می‌دهد در چنین شرایطی، استفاده از نظام عدالت کیفری علیه مهاجران و یا اعمال مجازات‌های شدید در مورد بزهکاران مهاجر افزایش خواهد یافت (Wang, 2012: 746; Jacobs & Carmichael, 2002: 112; Light, 2014: 833).

جلوه‌هایی از تئوری تهدید در ایران نسبت به مهاجران افغان در گفتمان عمومی کاملاً مشهود است. مهاجران افغانستانی به عنوان یکی از عوامل اصلی بیکاری در ایران (تهدید اقتصادی) به تصویر کشیده می‌شوند که به دلیل نیروی کار ارزان، فرصت‌های شغلی را که باید برای ایرانیان باشد از آنان گرفته و موجبات نارضایتی عمومی را فراهم نموده‌اند (حسنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۲)^۱. برخی از ایرانیان مقیم مناطق حاشیه‌نشین نیز ممکن است به افغان‌ها به عنوان انسان‌هایی که بسیاری از حقوق و منافع آنها را تصاحب کرده‌اند، بنگرند (مهاجرین، ۱۳۹۱: ۶۶۸).

پیرامون تهدید کیفری افغان‌ها (افزایش حس ناامنی به واسطه افزایش جمعیت مهاجران) از دیدگاه عمومی نیز می‌توان به مصاحبه‌هایی اشاره داشت که مهاجران را عامل اعتیاد و افزایش قاچاق مواد مخدر معرفی می‌کنند. برای نمونه در پژوهشی راجع به پیامدهای حضور اتباع بیگانه در مناطق حاشیه‌نشین، مصاحبه‌شوندگان بیان داشته‌اند: «تروپ و فروش مواد مخدر از جمله مشکلاتی است که اتباع خارجی به آن دچار هستند با توجه به اینکه اقوام و خویشاوندان آنها در آن سوی مرز هستند به راحتی جوانان جویای کار یا افراد مستعد در امر بزهکاری را می‌توانند با خود جهت قاچاق مواد مخدر همگام و همراه سازند»؛ «... آنان باعث افزایش بیکاری کارگران ایرانی هستند یا مرتکب اعمال مجرمانه مثل سرقت، قاچاق و توزیع مواد مخدر و... می‌شوند که با توجه به کثرت اتباع بیگانه موجب نگرانی است» و در راستای مطالبات کیفری وضع قوانین و مقررات سخت‌تر برای اتباع خارجی، اعمال مجازات سنگین‌تر برای مجرمان اتباع خارجی ساکن در کشور را پیشنهاد نموده‌اند (حسنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۵-۱۷۴). این نگرش در استان‌هایی که حضور اتباع افغانستانی بیشتر است، به مراتب مشهودتر است.

بنابراین، افزایش جمعیت مهاجران به‌ویژه در شرایط اقتصادی نامطلوب می‌تواند در افزایش جمعیت کیفری مهاجران، ولو به صورت غیرمستقیم مؤثر واقع گردد؛ اگرچه تبعیض نظام‌مند به دلیل فقدان شواهد کافی قابلیت تعمیم ندارد.

۱. همچنان که مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری تهران در سال ۸۹ بیان داشته است: «مهاجرین افغانی غیرمجاز ۲۵۰ هزار فرصت شغلی را در استان تهران اشغال کرده‌اند». بار منفی فعل اشغال کردن، به‌خوبی حکایت از نوع نگرش مسئولان کشوری نسبت به مقوله مهاجران دارد.

۴. تبیین فرایند تبعیض در کیفردهی

تبعیض به مثابه سیستمی چرخشی، در مراحل مختلف نظام عدالت کیفری ممکن است بروز یابد. اگرچه عمده تمرکز این پژوهش به فرایند کیفردهی است، بایستی به یاد داشت که نظام عدالت کیفری یک فرایند وابسته به هم است که بروز تبعیض در مراحل پیشین این فرایند می تواند نتایج کیفردهی را تبعیض آمیز نماید؛ ولو آنکه شواهدی از تبعیض در مرحله کیفردهی مشاهده نشود^۱. در ادامه به اصلی ترین فرایندهای تبعیض در نظام عدالت کیفری پرداخته می شود.

۴.۱. کنترل و بازرسی افراطی مهاجران

کشف و تعقیب جرم، نخستین مرحله ورودی به چرخه نظام عدالت کیفری است و تصمیمات ضابطین قضایی در این مرحله تأثیر بسزایی در سرنوشت مهاجران دارد. بازرسی و دستگیری گزینشی موجب افزایش نرخ ورودی متهمان بیگانه به نظام عدالت کیفری می گردد که نرخ بالای محکومیت اتباع بیگانه را نیز در پی دارد و در صورت عدم توجه به این امر، ممکن است به شکل عوامل به ظاهر «قانونی» یعنی نرخ بالای ارتکاب جرم اتباع بیگانه تفسیر شود. بر این اساس، نتایج کیفردهی ولو آنکه در مرحله کیفردهی عاری از هرگونه نابرابری و تبعیض باشد، به واسطه تعقیب گزینشی در مراحل اولیه، تبعیض آمیز محسوب می گردد و این تعقیب گزینشی یکی از علل اصلی تورم جمعیت کیفری اتباع بیگانه را تشکیل می دهد.

توضیح آنکه جرایم مواد مخدر در دسته جرایم بدون بزه دیده قرار می گیرند و نهادهای کشف جرم برخلاف جرایم دارای بزه دیده، در کشف و تعقیب آنها نقش برجسته ای دارند. در این جرایم، کنشگران تعیین می کنند در چه محدوده ای و در چه مواردی قانون را اعمال کنند، چه جرمی را گزارش دهند و کدام مجرم را تعقیب نمایند. از این رو، مبارزه با مواد مخدر به عنوان یکی از جولانگاه های تبعیض شناخته می شود. یافته های تجربی نیز حکایت از آن دارد بیشترین میزان تأثیر ملیت بر مجازات، در جرایم مواد مخدر است (Mitchell, 2015: 289). در این راستا یکی از چالش های نهادهای کشف جرم، مسئله

۱. برای نمونه، پژوهشی پیرامون نظام مجازات اعدام مریلند در سال ۲۰۰۳ نشان داد که اگرچه نژاد قربانی بر تصمیم هیئت منصفه در محکومیت به اعدام متهم تأثیری ندارد، اما در بین همه قتل های مستوجب اعدام، قاتلانی با قربانیان سفیدپوست، سه برابر بیشتر از قاتلان مشابه با قربانیان غیرسفیدپوست، به اعدام محکوم می شوند. این تفاوت ناشی از تصمیمات دادستان برای تعقیب بیشتر مجازات اعدام در خصوص قربانیان سفیدپوست است. به عبارتی اگرچه هیچ شواهدی در این مورد وجود ندارد که تصمیمات مرحله کیفردهی در خصوص محکومیت به اعدام، ناشی از تبعیض نژادی است، اما نتایج کیفردهی به دلیل اقداماتی که در مراحل اولیه فرایند کیفری انجام شده، تبعیض آمیز است (Paternoster et al., 2003).

پروفایل قومی- نژادی (racial profile) است که موجب دستگیری بیش از حد اقلیت‌های قومی می‌گردد.

اگرچه در مورد تعریف پروفایل قومی اجماع وجود ندارد، اما به‌طور کلی به استفاده از نژاد/ قومیت به‌عنوان شاخصی در مشخصات مظنونان کیفری تعریف می‌شود (Walker et al., 2016). (156) بر این اساس، چنانچه متوقف کردن شخص برای سؤال یا تفتیش بر اساس ویژگی‌های ظاهری و قومی و نه به دلیل رفتار مشکوک یا مطابقت با توصیفات مظنون معین باشد، مسئله پروفایل نژادی مطرح است.

ماهیت اجرای قانون اغلب احتیاج به تصمیمات فوری در مورد خطر ایجادشده از سوی مظنونان دارد، بنابراین ممکن است کلیشه‌های نژادی- قومی به صورت ناخودآگاه در نحوه انجام وظایف مأمورین تأثیر گذارد. در این موارد غیربومی بودن عاملی است که فرد از نظر ارتکاب جرم مظنون قرار می‌گیرد، خودروی غیربومیان بیشتر متوقف و بیشتر بازرسی می‌شود و در نتیجه جرایم این گروه بیشتر از اتباع داخلی کشف می‌گردد. در فرودگاه‌های بین‌المللی نیز به‌طور معمول نسبت به گروهی از اتباع خارجی که با کلیشه‌های مواد مخدر مرتبط باشند، تفتیش بدنی با دقت بیشتری صورت می‌پذیرد.

در ایران تحلیل محتوای پرونده‌های موجود نشان می‌دهد کشف جرایم مواد مخدر غالباً در ایست و بازرسی‌های پلیس با استفاده از مهارت چهره‌زنی و یا از اطلاعات منابع و مخبرین صورت می‌گیرد. برای نمونه در گزارش پرونده‌ای بیان شده است: «مقارن ساعت ۵:۳۰ دقیقه صبح یوم جاری، تیم ایست و بازرسی ضمن کنترل خودروهای عبوری، با استفاده از مهارت چهره‌زنی، به یک دستگاه خودرو ۴۰۵ مشکوک که خودرو جهت بازرسی دقیق‌تر به کنار جاده هدایت شد». تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت‌گرفته با مأموران ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز نشان می‌دهد چهره‌زنی مهارتی مبتنی بر تکرار و تجربه است که به استفاده از کلیشه‌های ذهنی در ایست و بازرسی منجر می‌گردد. از دیدگاه مأموران مصاحبه‌شونده، در مناطق شمال غرب کشور، خارجی بودن افراد و یا تردد ماشین پلاک‌هایی از مناطق جنوبی کشور معیاری مهم در مظنون شدن به افراد است.

در مناطق شرقی کشور نیز مصاحبه با مأموران کشف مواد در ایست و بازرسی‌ها نشان می‌دهد افغانستانی بودن فرد، یکی از ملاک‌های موردتوجه مأمورین جهت پیاده کردن مسافری اتوبوس و بازرسی بدنی یا بازرسی اموال است و مدت زمانی که برای بازرسی اتوبوس‌هایی که حامل مهاجران افغانستانی اختصاص داده می‌شود، بیشتر از بازرسی سایر اتوبوس‌ها است (حدادزاده، ۱۳۹۷: ۱۹۹-۲۰۰). بر این اساس، مهاجران افغانستانی به‌مثابه افراد مظنون به ارتکاب جرم، به‌طور مکرر در معرض ایست و بازرسی هستند. در این راستا، مصاحبه‌شونده ش. ۱۴ که به طور مکرر در مسیر تهران- مشهد تردد می‌نماید بیان می‌دارد: «در مسیرهایی مثل

ترتیب جام، تایباد، کافیه قیافته‌ها شبیه افغانستانی‌ها باشد، بدون استثنا مأمورها پیاده‌ها می‌کنند و وسایلتو می‌گردند». مصاحبه‌شونده ش. ۵ می‌گوید: «در ایست‌های بازرسی شبانه، مأمورها بر اساس ظاهر مسافرها را پیاده می‌کنند، مردانی که شبیه افغانستانی‌ها باشند معمولاً بارشونو می‌گردند، اما بقیه مسافرها حتی اگه ظاهرشون شبیه معتادها باشد هم کاری ندارند».

در استان خراسان بر اساس یافته‌های تجربی، به ازای هر ۱۰۲ نفر مهاجر افغانستانی، ۱ نفر به اتهام قاچاق یا فروش مواد مخدر دستگیر شده است، درحالی که این رقم برای سایر ساکنان این استان به ازای هر ۲۴۴۴ نفر ۱ نفر می‌باشد. به این ترتیب، اتباع افغان ۲۳ برابر بیشتر از سایر ساکنان استان، با احتمال دستگیری مواجه‌اند (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

نباید از نظر دور داشت بیشتر اتباع خارجی به دلیل کمبود امکانات مالی یا بعضاً ورود غیرمجاز به کشور، مجبور به اسکان در مناطق حاشیه شهر می‌شوند (حسنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۶). مناطق حاشیه‌نشین هدف اولیه بازرسی در طرح‌های مبارزه با مواد مخدر است؛ لذا افزایش نیروهای پلیس در این مناطق با افزایش تعداد دستگیری همراه است. در این راستا می‌توان به طرح پاک‌سازی محله (شهریور ۹۹) اشاره داشت که نخستین مرحله از این طرح در محلات شوش، هرندی و دروازه غار از سوی پلیس‌های تخصصی تهران اجرا شد که در جریان آن، ۱۲۰ نفر از اتباع بیگانه دستگیر شدند^۱.

تفاوت در شیوه ارتکاب جرایم مواد مخدر در مناطق فقیرنشین نیز می‌تواند این موضوع را تا حدودی تبیین نماید. در مناطق حاشیه‌نشین، دسترسی به فضای خصوصی محدودتر است و استفاده از مواد و خرید و فروش آن بیشتر در مکان‌های عمومی و نیمه‌عمومی (نظیر اتاقک خانه‌های متروکه) اتفاق می‌افتد. فروش مواد مخدر در این مناطق همچنین با معاملات مکرر، در مقادیر کوچک و معامله با افرادی که نمی‌شناسند (غریبه‌ها) مشخص می‌شود و باندهای خشونت‌آمیز اغلب درگیر توزیع مواد مخدر در این مناطق هستند. درحالی که فروشندگان مواد مخدر از طبقه متوسط معمولاً در مراکز خصوصی مستقیماً به مشتریان ثابت، مقادیر نسبتاً زیادی مواد می‌فروشند و کمتر درگیر فعالیت‌های خشونت‌آمیز هستند. در نتیجه به دلیل خشونت بازارهای مواد مخدر در مناطق حاشیه‌نشین، پلیس عمده تلاش خود را برای کنترل مواد مخدر در این مناطق متمرکز می‌کند (Paoli & Reuter, 2008: 18; Mitchell, 2015: 293-7).

تأثیر نقش طبقه درگیر در مواد مخدر و نوع معامله را می‌توان در تفاوت جمعیت کیفری اتباع ترکیه و افغانستان در ایران مشاهده نمود. تحلیل محتوای پرونده‌های محکومان مواد مخدر نشان می‌دهد بیشتر مهاجران افغانستانی بزهدکاران خرده‌پای مواد مخدر محسوب می‌شوند که با پذیرش ریسک، اغلب به‌عنوان نوچه، مواد مخدر متعلق به دیگران را در ازای

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/06/12>.

اندک مبلغی در مناطق حاشیه‌نشین به فروش می‌رسانند و به‌واسطه دستگیری در حین خرید و فروش مواد، به‌راحتی محکوم می‌شوند. در نقطه مقابل، اتباع ترکیه‌ای در استان‌های شمال غربی کشور با به‌کار گماشتن اقشار آسیب‌پذیر جامعه، به‌صورت غیرمستقیم در معاملات مداخله دارند و در صورت معامله معمولاً در مکان‌های خصوصی و با مقادیر بالا اقدام به خرید و فروش هروئین و یا مرفین (در راستای ترانزیت به خارج کشور) می‌نمایند که به دلیل غیرمشهود بودن معاملات یا عدم مداخله در عملیات اجرایی، کشف و دستگیری کمتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند. از شش پرونده مواد مخدر بررسی‌شده مرتبط با اتباع ترکیه‌ای، چهار پرونده صرفاً حامل رده پایین مواد (فرد ایرانی فقیر) محکوم شده و تلاش‌ها برای دستگیری متهم ترکیه‌ای بی‌نتیجه مانده است. مصاحبه‌شونده ش. ۱۲ از مأموران مبارزه با مواد مخدر در این خصوص بیان می‌دارد: «برخی قاچاقچیان بین‌المللی نظیر قاچاقچیان ترکیه، به‌طور سازمان‌یافته اقدام می‌کنند و به‌طور معمول نگهبان و کارگر جهت حمل مواد و اداره امور دارند، خودشان در سایه هستند و هیچ مدرکی برای دستگیری آنها وجود ندارد».

بنابراین جمعیت کیفری بالای اتباع خارجی در جرایم مواد مخدر، بیش از آنکه ناشی از ارتکاب جرم از سوی مهاجران باشد، ریشه در تبعیض علیه مهاجران در کنترل جرم دارد.

۲.۴. کیفردهی مبتنی بر نقض مقررات مهمان‌نوازی

محققان اتفاق نظر دارند کنشگران قضایی هنگام تعیین مجازات‌های قانونی امنیت جامعه را در نظر می‌گیرند؛ در این چارچوب داشتن تابعیت کشور- وضعیتی که فقدان آن به معنای «دیگری» بودن است- لزوماً تبعیض‌آمیز است، اما به نسبت عواملی چون نژاد، قومیت یا پایگاه اجتماعی، از اتهام پیش‌داوری و یا تعصب مصون‌تر است.

نظر به اینکه دادگاه‌ها موظف به محافظت و اجرای منافع ملی هستند، کنشگران نظام کیفری از مهاجرت، نه به‌عنوان «نیابتی» برای نسبت دادن خصوصیات منفی به متهم، بلکه به‌عنوان یک وضعیت صریح که فرد مستحق افزایش مجازات است، یاد می‌کنند (Light, 2017: 38)؛ زیرا یک مهاجر و بیگانه پس از ورود به قلمرو دولت خارجی، مکلف به پیروی از قوانین ملی جامعه میزبان است و دولت خارجی از مهاجر انتظار وفاداری به جامعه میزبان را دارد (بیگزاده و سرفراز، ۳۹۹: ۱۳۹۰-۳۹۶)؛ حال آنکه این مهاجر با ارتکاب جرم به «جامعه‌ای» که به آن پناه داد، آسیب می‌زند و قضات در مقام محافظت از همان «جامعه»، بزهکار را مستحق مجازات شدید می‌دانند. این امر موجب سرزنش‌پذیری بیشتر متهم و قبح بالاتر رفتار ارتكابی و مجوزی برای استحقاق فرد به مجازات‌های شدیدتر در نظر کنشگران قضایی می‌شود. این وضعیت که به دلیل انحراف اولیه مهاجران (ارتکاب جرم) و سوء استفاده از حق مهمان‌نوازی

جامعه ایجاد می‌گردد، به‌عنوان «مجازات مضاعف» (double punishment) شناخته می‌شود (Logue, 2009: 441; sayad, 2004: 282).

استناد به نقض رسم مهمان‌نوازی از سوی مهاجران به‌عنوان مبنایی برای تعیین حداکثر مجازات در بین آرای قضایی ایالت متحده آمریکا قابل مشاهده است. در این راستا می‌توان به پرونده «ایالات متحده علیه اونوئمنه»^۱ اشاره کرد که دادگاه به‌واسطه نقض مهمان‌نوازی دولت آمریکا از سوی متهم نیجریه‌ای، در توجیه حداکثر مجازات تعیینی بیان داشته است: «شما شهروند این کشور نیستید. این کشور به‌اندازه‌ای خوب بود که به شما اجازه دهد وارد اینجا شوید و تعدادی از مزایای این جامعه را به شما اعطا کند و با ارتکاب چنین جرایمی، این لطف و مهربانی را پس می‌دهید. ما به‌اندازه کافی بزهکار در آمریکا داریم، بدون اینکه وارد کنیم». در پرونده مشابهی (ایالات متحده علیه پنا)^۲ دادگاه بیان می‌دارد: «به شما فرصتی داده شده است که به ایالات متحده بیایید و یک شهروند سازنده شوید، اما با تبدیل شدن به یک فروشنده مواد مخدر، این لطف را پس داده‌اید». متهم پرونده به‌واسطه آنکه مبنای حکم «فرصت داده شده برای ورود به آمریکا» بوده و ملیت متهم را در تعیین مجازات دخیل نموده است، به این رأی اعتراض نمود. همچنین در پرونده «ایالت متحده علیه کوونون»^۳، قاضی بیان داشت: «چه راهی برای جبران خدمت ایالات متحده آمریکا برای داشتن زندگی بسیار بهتر از آنچه می‌توانستید تصور کنید / به‌عنوان یک پناهنده از تایلند / وجود داشت؟ به اینجا بیایید و دیگران را فریب دهید؟». تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت‌گرفته با کنشگران قضایی در ایران نیز نشان می‌دهد که قضات به‌عنوان عضوی از جامعه میزبان، از مهاجران انتظار مضاعف برای تبعیت از قانون دارند و در صورت ارتکاب جرم از سوی مهاجران، به‌واسطه نقض رسم مهمان‌نوازی آنان را سرزنش‌پذیرتر از اتباع کشور محسوب می‌کنند. یکی از قضات کیفری (ش. ۴) پیرامون سطح سرزنش‌پذیری بالاتر اتباع بیگانه، این‌گونه استدلال می‌کند: «به‌رغم اعتقاد به برابری، در مواردی نیاز است که محاکمه متهم خارجی جدی‌تر پیگیری شود. افغان‌ها در کشور ما مهمان هستند که باید رسم مهمانی را بجا آورند. وقتی مهمان همراه خود مواد مخدر می‌آورد و میزبان را درگیر مشکلات متعددی می‌کند، طبیعتاً به‌واسطه نمکدان‌شکنی باید مجازاتی سنگین‌تر از سایر متهمان دریافت کند. استفاده از شدت عمل در محاکمه این افراد، به سایر مهاجران جرئت ارتکاب جرم در کشور را نخواهد داد». برابر یافته‌های کیفرشناختی، چنانچه کنشگران قضایی برخی اقدامات مجرمانه نظیر قاچاق مواد مخدر را جزء فرهنگ مجرمانه جامعه مهاجر بدانند، در این صورت از طریق مجازات‌های حداکثری، این پیام را به دیگر اتباع خارجی می‌فرستند که در

1. *US v. Onwuemene*, 933 F.2d 650 (8th Cir. 1991).

2. *US v. Pena*, 125 F.3d 285 (5th Cir. 2003).

3. *Us v. Kouangvan*, 844 F.3d 996 (8th Cir. 2017)

صورت ورود به کشور به قصد ارتکاب جرم، با مجازات شدید مواجه خواهند شد (Light, 2017: 38) که این نگرش در عبارات پایانی مصاحبه مشهود است.

همین عقیده در بین قضات کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه یک قاضی آلمانی در خصوص علت تشدید مجازات مهاجران بیان داشته است: «فردی هستند که از حق مهمان‌نوازی جامعه برخوردارند، از مزایای آن بهره می‌برند و هیچ مشارکتی در حل مشکلات کشوری که خدمات آن را دریافت می‌کنند ندارند، اما در عوض با ارتکاب جرایم، از مهمان‌نوازی جامعه سوء استفاده می‌کنند. من این را به‌عنوان معیاری برای مجازات در نظر گرفته‌ام، آن را درست می‌دانم» (Light, 2017: 59). یک قاضی امریکایی در تبیین مشروعیت مجازات‌های شدید علیه مهاجران اظهار داشته است: «شما به کشور من، زادگاه من، سرزمینی که من عاشق آن هستم و قسم خورده‌ام از آن محافظت کنم، می‌آیید و اینجا چه می‌کنید؟ مرتکب جرایمی می‌شوید و برخی از این جرایم برای شهروندان امریکایی کاملاً مخرب است؛ بنابراین فکر نمی‌کنم مشکلی در این احساس (کینه) وجود داشته باشد». تحلیل محتوای این مصاحبه نشان می‌دهد ملیت و نقض مهمان‌نوازی به صورت صریح مبنایی مشروع برای تعیین مجازات حداکثری قرار گرفته است.

همچنین می‌توان به پرونده «ایالت متحده آمریکا علیه بررو ایسازا»^۱ اشاره داشت که متهم کلمبیایی در آمریکا به اتهام حمل یک کیلوگرم کوکائین به ۱۲ سال حبس محکوم شده بود؛ در حالی که شریک وی (متهم انگلیسی) صرفاً به ۷ سال حبس محکوم گردید. یکی از دلایلی که در جلسه دادگاه پیرامون مجازات حداکثری برای متهم کلمبیایی و تفاوت قابل‌ملاحظه (۵ سال) بین او و شریکش ذکر شده است: «وازی یک کشور مبدأ/ منشأ مواد مخدر، یعنی کلمبیا، کشوری که بیشترین مواد مخدر را به این کشور تأمین می‌کند، آمده است». «آنها» در حال حاضر آفت کل کشور هستند، و من نمی‌خواهم با آن مدارا کنم و می‌خواهم این پیام به کلمبیا برسد که ما نمی‌خواهیم این نوع کارها را بپذیریم». ظاهراً دادگاه معتقد بود که بهترین راه برای «ارسال پیام» به کشورهای منبع مواد مخدر، مجازات کردن افراد دارای علقه ملی با این کشورها است.

۳.۴. عدم دسترسی متهمان به حمایت حقوقی مؤثر

مهاجران درگیر در نظام کیفری معمولاً افرادی جوان، کم‌سواد، با وضعیت اقتصادی-اجتماعی نامطلوب هستند (Scalia, 1996: 4). این افراد در فرایند دادرسی کیفری به دلیل پایگاه اقتصادی ضعیف توان استفاده از وکلای تعیینی مجرب را ندارند. فقیر بودن متهم به معنی داشتن وکلای تسخیری است که تجربه، وقت کافی یا تمایلی برای ارائه دفاع مؤثر از متهمان

1. *US v. Borrero-Isaza*, 887 F.2d 1349 (9th Cir. 1989).

خارجی ندارند (Olivero, 2013: 41; Bright, 2014: 99). حال آنکه مطالعات کیفرشناختی نشانگر آن است که استفاده از وکیل تعیینی، احتمال محکومیت به مجازات‌های شدید را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. از سوی دیگر اتباع خارجی به دلیل عدم تسلط به زبان کشور میزبان و عدم درک قوانین یا فرایند دادرسی کیفری، آسیب‌پذیرتر هستند. بسیاری از آنان در هنگام بازجویی از مترجم یا وکیل برخوردار نیستند و اظهارات اولیه آنها به‌عنوان اقرار مبنای محکومیتشان است.

در ایران نتایج یک تحقیق تجربی حاکی از آن است که تنها ۱۲ درصد مهاجران افغانستان در پرونده‌های مواد مخدر دارای وکیل تعیینی بوده‌اند (۶ پرونده از میان ۵۰ پرونده) و اکثر وکلای تسخیری تمایلی به ارائه دفاع مطلوب نداشته‌اند (بزی‌الری، ۱۳۹۳: ۱۱۵). علاوه بر آن، به دلیل آشنایی نسبی مهاجران با زبان فارسی، معمولاً رویه دادگاه‌ها به این سو است که از أخذ مترجم برای مهاجران افغان امتناع می‌شود که به‌واسطه عدم درک صحبت‌های حقوقی مقامات کیفری این امر می‌تواند در کیفیت دفاعیات تأثیرگذار باشد؛ اگرچه نمی‌توان نتیجه گرفت که این امر لزوماً به مجازات تبعیض‌آمیز تبدیل می‌شود.

همچنین بسیاری از مهاجران خارجی به‌واسطه ترس از وضعیت اقامتشان، اساساً در برابر نظام عدالت کیفری اعتماد به نفس ندارند و در پی چالش با مقام قضایی بر نمی‌آیند. مصاحبه‌شونده ش. ۲ در این خصوص بیان می‌کند: «بسیاری از افغانی‌ها اصلاً سعی نمی‌کنند که قاضی رو مجاب کنند یا حرفشونو بگن، مظلومیت خاصی دارند، مثل بقیه متهمان با قاضی بحث نمی‌کنند، شاید چون فکر می‌کنند در برابر مقام عالی ایرانی قرار گرفته‌اند، می‌ترسند، هرچی که باز پرس بگه اینها قبول و امضا می‌کنند». نگاهی مختصر به پرونده اقلیت‌های غیربومی و اتباع داخلی، حاکی از تفاوت فاحش در تعداد اوراق پرونده و استنادهای قانونی و تعداد جلسات محاکمه است. در بررسی اوراق پرونده، به‌طور معمول پرونده گروه‌های اقلیت غیربومی با پایگاه اجتماعی ضعیف، در یک جلد و حاوی ۱۰۰ برگ یا کمتر است و در مرحله بازجویی این اوراق در مواردی به ۳۰ برگ هم نمی‌رسد. پرسش‌های تلقینی به‌جای تفهیم اتهام در پرونده این گروه، تخلفی رایج است و در اظهارات این متهمان تنها جمله‌ای که به صورت مداوم تکرار می‌شود: «قبول دارم»، بدون وارد کردن ایراد ماهوی از جانب فرد متهم یا وکیل تسخیری است.

در این خصوص می‌توان به پرونده مردی از اهالی کردستان عراق، متهم به حمل یک کیلو و هشتصد گرم هروئین مرطوب اشاره داشت که در همان جلسه بازجویی اولیه اظهار می‌دارد: «مواد را قبول دارم از من کشف شده، در قبال سه میلیون بدهی شخصی بنام حصی، مواد را به من داده است که بفروشم و بدهی‌اش را پرداخت کنم»؛ و در پرونده دیگری مرد جوان افغانستانی متهم به حمل ۵۰ گرم شیشه در جلسه اول بیان داشته: «بله مواد متعلق به من

است، من اشتباه کردم گول خوردم فردی به نام ... در قبال ۳۰۰ هزار تومن به من گفت مواد را نگهداری کنم؛ در حالی که متهمان آگاه به قوانین و یا دارای وکیل تعیینی تا حد امکان از اقرار در جلسات اولیه امتناع می‌ورزند. همچنین می‌توان به کیفیت ضعیف دفاعیات برخی وکلای تسخیری در پرونده اتباع خارجی اشاره داشت که بدون وارد کردن ایراد ماهوی و با تحقیر موکل - با قرار گرفتن در مقام قاضی و نه وکیل - صرفاً درصد اخذ تخفیف هستند. برای نمونه در لایحه دفاعیه یک وکیل بیان شده: «به نظر عمل را موکل انجام داده و جرم بزرگی بوده است و مجازات سنگینی همراه دارد اما ناشی از فقر موکل است، به‌طور کلی فقر و بدبختی و نیاز شدید مالی عقل و شعور موکل را از کار انداخته، بدون اینکه با قصد انجام دهد، در راستای تأمین مخارج زندگی در ایران، مرتکب کار خطرناکی شده است؛ لذا با توجه به وضعیت اسفبار خانوادگی متهم، فقر و بیچارگی که متهم را مجبور به حمل مواد نموده است، از آن دادگاه محترم تقاضای ارفاق قانونی دارم». در اکثر نمونه‌های میدانی ملاحظه می‌گردد اقرار - که اعتبار آن محل تردید است - تنها دلیل اثباتی پرونده مرتکبان خارجی دارای پایگاه اجتماعی ضعیف است و هیچ تلاشی در مورد کسب دلایل به نفع متهم و یا به چالش کشیدن دلایل علیه متهم از سوی وکلای تسخیری وجود ندارد.

عدم حمایت حقوقی مؤثر از مرتکبان خارجی در کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه می‌توان به پرونده «علی ذوالفقار، شهروند پاکستانی»، در کشور اندونزی اشاره کرد. به‌رغم آنکه مواد مخدری از این محکوم کشف نشده بود، به اتهام حمل ۳۰۰ گرم هروئین به اعدام محکوم گردید. این محکوم زیر شکنجه اقرار کرده بود، اقراری که علی‌الاصول نباید دادگاه به آن استناد می‌کرد. وی در فرایند دادرسی از دسترسی به وکیل و یا مترجم محروم مانده بود و هیچ دلیل قوی علیه وی وجود نداشت. با آنکه یک تحقیق مستقل در سال ۲۰۱۰ او را بی‌گناه اعلام کرده بود، این محکوم در ژوئیه ۲۰۱۶ برای اعدام آماده شد؛ اگرچه در آخرین لحظه، پس از مداخله رئیس‌جمهور پاکستان، این روند متوقف شد. در این نهایت این محکوم در سال ۲۰۱۸ پس از ۱۳ سال انتظار در صف مرگ با درخواست عفو نافرجام، به علت سرطان درگذشت (Hoyle & Girelli, 2019: 2).

نباید از این نکته غافل شد که از نظر مطالعات کیفی‌شناختی افرادی که قبل از مرحله دادرسی، در توقیف یا بازداشت موقت بوده‌اند در مرحله کیفردهی با احتمال بیشتری با مجازات حبس مواجه هستند (Tonry, 1998: 68). بیش از ۹۰ درصد اتباع بیگانه در ایران - به‌ویژه مهاجران غیرمجاز - به دلیل عدم ارائه مدارک هویتی خود یا ناتوانی در تودیع وثیقه و یا به علت ترس از فرار متهم در صورت ارتکاب جرم با بازداشت موقت مواجه‌اند که همین امر احتمال محکومیت مهاجران را افزایش می‌دهد.

۴.۴. واکنش‌های کیفری مبتنی بر بساخت رسانه‌ای جرایم مهاجران

اگرچه به دلیل توسعه هنجارهای اجتماعی، افراد تمایل کمتری به ابراز احساسات و عقاید تعصب‌آمیز خود به نحو صریح دارند، این امر به معنی تغییر معنی‌دار و واقعی نگرش‌های نژادی نیست، بلکه صرفاً بیان صریح و ابراز احساسات نژادپرستانه تقبیح‌شده است (Quillian, 2006: 299). امروزه پیش‌داوری و تبعیض - نه به شکل آشکار - بلکه به شکل پنهانی و گاهی غیرعمدی بروز می‌یابد.

یافته‌های علمی نشان می‌دهد کنشگران کیفری از نظر بافت و نگرش روان‌شناختی به‌ویژه نوع باورها پیرامون موضوع نژاد، قومیت و ملیت تفاوت معناداری با مردم عادی ندارند (70): (Albrecht, 1997). به بیانی، کنشگران کیفری در تمام مقیاس‌های شخصیتی مردمی کاملاً عادی و متوسط هستند؛ بنابراین این انتظار می‌رود که قضات به‌عنوان شهروندان عادی در کلیشه‌های رایج جامعه سهیم باشند. همچنان که بیان شده است: «وقتی قاضی در کسوت قضاوت قرار می‌گیرد، نمی‌تواند همچون الهه عدالت، چشم‌های خود را ببندد و از همه چیز منقطع شود، یک سمبل شود یا اینکه خود را از باورها و عقایدی که در تمام طول زندگی‌اش او را دربر گرفته است، خنثی سازد... زندانی که در مقابل او ایستاده است، صرفاً مجرمی نیست که باید طبق قوانینی که از سوی قانون‌گذاران وضع شده است با او برخورد شود، بلکه او فردی است که نماینده یک طبقه یا گروه در جامعه است که قاضی ممکن است احساسات مثبت یا منفی نسبت به آن داشته باشد. اگر بر این باور باشیم که یک قاضی می‌تواند عدالت کیفری را از هرگونه تعصب و پیش‌داوری عاری سازد، در واقع نادیده گرفتن و انکار طبیعت انسانی اوست» (Sellin, 1935: 213).

با آنکه شواهد اندکی وجود دارد که نشان دهد افزایش سطح مهاجرت منجر به افزایش نرخ ارتکاب جرم می‌شود، افکار عمومی جامعه به دلیل پیروی از کلیشه‌های ذهنی و نه داده‌های تجربی بر این باورند که حضور مهاجران ناامنی به‌ارمغان خواهد آورد. از دیدگاه جرم‌شناسان، رسانه‌ها و به‌ویژه مطبوعات منبع اساسی نشر احساس ناامنی هستند (لازرز، ۱۳۹۰: ۴؛ آسیایی، ۱۳۹۵: ۱۱۲)، از این حیث نقش رسانه‌ها در القای ترس و ناامنی نسبت به مهاجران را نباید نادیده انگاشت.

به‌طور معمول رسانه‌ها در واکنش به وقوع جرم مهاجران، هراس اخلاقی (moral panic) می‌آفرینند. مطبوعات نیز یک گفتمان هشداردهنده را تبلیغ می‌کنند که بین مهاجران و تعدادی از معضلات اجتماعی از جمله جرم، بیماری و انحراف ارتباط برقرار می‌کند و مهاجران را مسئول توزیع مواد مخدر جلوه می‌دهند (Harris, 2020: 458). همچنین، اتباع خارجی به‌ویژه مهاجران غیرمجاز به‌طور مرتب در فیلم‌ها به‌عنوان اعضای باند و فروشندگان مواد مخدر به

تصویر کشیده می‌شوند. بر این اساس، مهاجران به‌مثابه شیطان‌های محلی (folk devil)^۱ برای جرایم مواد مخدر مورد هدف رسانه‌ها قرار گرفته‌اند.^۲

نظام عدالت کیفری نیز نگرش اجتماعی غالب نسبت به مهاجران را به نمایش می‌گذارد. به‌رغم اعتقاد به برابری افراد در مقابل قانون، در عمل کلیشه‌های پیرامون ارتباط قومیت و تجارت مواد مخدر، عامدانه و یا ناآگاهانه بر تصمیمات کنشگران عدالت کیفری نیز اثرگذار است.

در ایران از یک سو نبود شناخت صحیح و اصولی پیرامون مهاجران افغانستانی و از سویی دیگر گزینش رسانه‌ای جرایم مهاجران و بارز جلوه دادن آن در ایجاد حس ناامنی و پیش‌داوری نسبت به مهاجران نقش داشته است (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۹۴). نتایج مربوط به بررسی بازتاب اخبار مربوط به مهاجرین افغانستانی نشان می‌دهد که اخبار مربوط به امور قضایی و جرم، بخش قابل توجهی از اخبار مربوط به مهاجران افغانستانی را تشکیل داده است. این رسانه‌ها معمولاً تصویری منفی از مهاجران افغانستانی را در ذهن خواننده ترسیم می‌کنند. در «تیترا» یا «متن» اخبار جرایم مهاجران افغانستانی، برخلاف عرف رایج در مطبوعات ایران، خوانندگان با صفات منفی متعددی روبرو می‌شوند که «افغانی» بودن مجرم را به شیوه‌های مختلف به خواننده گوشزد می‌کنند (اکبری، ۱۳۹۱: ۲۰۶) و با استفاده از استراتژی کلامی تعمیم، جرایم یک فرد به کل جامعه و قومیت فرد مهاجر نسبت داده می‌شود (ساک، ۱۳۸۹: ۵۶). این تعمیم موجب می‌شود تمام اعضای قوم یادشده، قربانی انگ و برچسب‌زنی رسانه‌ها شوند. این امر به تداوم تصورات غلط و کلیشه‌های منفی در مورد مهاجران به‌عنوان افرادی خطرناک کمک می‌کند. این استراتژی تعمیم در متن آرا و برگه‌های قضایی نیز مشاهده می‌شود. تحلیل محتوای پرونده‌های قضایی نشان می‌دهد عباراتی نظیر «افغانستانی»، «افغانی» به‌وفور در پرونده‌های کیفری به‌عنوان مترادف واژه‌های قاچاقچی و مجرم به‌کار رفته، درحالی که اسامی مظنونان پرونده ذکر شده است. برای نمونه در پرونده‌ای آمده است: «در پیگیری سوژه‌های قاچاق مواد مخدر، یکی از قاچاقچیان به نام مولود مورد شناسایی قرار گرفت، به‌دنبال شناسایی ایشان معلوم شد وی با قاچاقچیان افغانستانی در ارتباط بوده است، بعد از معامله مواد مخدر و خرید محموله از افغانی، مواد مخدر را به غرب کشور منتقل و در اسرع زمان به فروش می‌رسانده است». با آنکه نام متهم افغانستانی به صورت دقیق در پرونده ذکر شده بود، به‌صورت

1. Cohen, S. (2011). Folk devils and moral panics. Routledge.

۲. درحالی که رسانه‌ها صرفاً به بحث بزهکاری مهاجران پرداخته و کمتر بزه‌دیدگی مهاجران را منعکس نموده‌اند، مطالعات جرم‌شناسی حاکی از آن است که مهاجران، به‌خصوص مهاجران غیرقانونی، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی هستند. آنان قربانی جرم‌اند که به‌واسطه ترس از پرس‌وجو پیرامون وضعیت اقامتی‌شان، کمتر تمایلی به گزارش جرم دارند. نتایج پژوهشی در ایران حاکی از آن است که درصد بزه‌دیدگی زنان مهاجران افغان در جرایم علیه اموال نظیر کیف قاپی و جرایم علیه اشخاص نظیر توهین، بیشتر از اتباع کشور است (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵).

رویه‌ای با قومیت مورد خطاب قرار گرفته است. این کلیشه بین مجرمان مواد مخدر نیز مشاهده می‌شود. در قسمتی از بازجویی از یک متهم به خرید و فروش مواد مخدر پرسیده شده است: شما از کجا می‌دانستید که در خانه ... مواد وجود دارد؟ «چون من در خانه او، افغانی دیده بودم فهمیدم این‌کاره است». وکیل وی با رسمیت بخشیدن به این ادعا در قسمتی از دفاعیات بیان داشته است: «ایشان را در منزل یکی از رفقای خود دیده و چون ایشان با افغانی‌ها صحبت می‌کرد، از آنجا پی برده بود که ایشان در کار مواد مخدر می‌باشند». این کلیشه‌ها در احراز مجرمیت فرد نیز اثرگذار است. هنگام وقوع یک جرم چنانچه یک ایرانی و افغانی باهم در مظان اتهام باشند، اکثر اوقات بازداشت موقت برای فرد افغانستانی است و انگشت اتهام به سمت افغانستانی‌ها بیشتر از اتباع کشور است. عدالت به نحو یکسان در مورد آنان اجرا نمی‌شود و مجازات افغانی‌ها به نحو شدیدتری اعمال می‌شود (مهاجرین، ۱۳۹۱: ۶۸۱).

گفتنی است این کلیشه‌های ذهنی در فرهنگ سازمانی صرفاً در خصوص کشورها و یا شهرهای مبدأ مواد مخدر وجود دارد. مظنونان و متهمان متعلق به کشورهای دیگر به‌ندرت به‌عنوان قاچاقچی خطاب شده، یا با کلیشه‌های منفی مواجه‌اند و به تبع آن مجازات‌ها خفیف‌تر است. در این راستا مصاحبه‌شونده ش. ۱۱ (وکیل دادگستری) بیان می‌کند: «یک فردی از لندن یک کیلو و ششصد متادون وارد کشور کرده بود که با ادعای مصرف شخصی، این متهم ۳۰ ماه حبس گرفته بود که این اتهام به ۱۵ ماه حبس تعلیقی محکوم شده بود، شما فرض کنید همین متادون رو فردی از افغانستان وارد کشور کند، بعید می‌دانم تعلیقی در خصوص وی صورت گیرد».

نتیجه

در این پژوهش تلاش شده است از رهگذر نظریه‌های دغدغه‌ اصلی، تهدید، بزهدکار شرور- قربانی و جانب‌داری درون‌گروهی دیدگاه‌ها و سازوکارهایی که زیربنای پاسخ کیفری به جرایم مواد مخدر مهاجران را تشکیل می‌دهد، تبیین گردد. درحالی که یافته‌های کیفرشناسی نشان می‌دهد به‌طور معمول نرخ خرید و فروش مواد مخدر در میان گروه‌های نژادی و قومی مختلف مشابه است، کلیشه‌های مرتبط با جرم، مهاجران و مواد مخدر در سراسر جهان موجب اتخاذ رویکرد سختگیرانه نسبت به جرایم مواد مخدر اتباع بیگانه شده است. تلقی اقلیت‌های غیربومی به‌عنوان «دیگری» و سطح سرزنش‌پذیری بالاتر این گروه از دیدگاه کنشگران قضایی (چه آگاهانه و چه ناآگاهانه)، افزایش احتمال کیفردهی را برای مهاجران در پی دارد.

اگرچه شواهدی مبنی بر تبعیض نظام‌مند نظام عدالت کیفری ایران علیه مهاجران وجود ندارد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مهاجران خارجی درگیر جرایم مواد مخدر، اغلب در فعالیت‌های مجرمانه خرد شرکت داشته، از این رو در کانون توجه مداخله‌های نظام کیفری قرار دارند. همچنین

عدم شناخت کافی ایرانیان از جامعه مهاجران و پیروی افکار عمومی جامعه از اخبار گزینشی و گاه مبالغه‌آمیز رسانه‌ها در خصوص جرایم مهاجران و عدم حمایت حقوقی مؤثر از این متهمان در نظام عدالت کیفری زمینه تبعیض غیرمستقیم را در کیفردهی جرایم مواد مخدر مهاجران فراهم آورده است. گفتنی است نقض مقررات مهمان‌نوازی به‌واسطه ارتکاب جرم از سوی مهاجران، از دیدگاه کنشگران قضایی به‌عنوان مبنای مشروع برای اعمال مجازات‌های شدیدتر تلقی می‌گردد.

همچنین شواهد قابل توجهی نشان می‌دهد «همه اتباع بیگانه» در معرض رفتارهای تبعیض‌آمیز قرار ندارند، بلکه در میان آنان آن گروه از مهاجران که با کلیشه «مواد مخدر» یا «قاچاقچی مواد مخدر» بیشتر پیوند دارند، نظیر مهاجران از کشورهای منشأ مواد مخدر یا مهاجران جوان با پایگاه اجتماعی ضعیف که کلیشه رایج از فرد بزهکار است به‌واسطه تلاقی تبعیض‌ها (Intersectional discrimination) به احتمال زیاد با مجازات‌های شدید مواجه هستند. بر این اساس، نظام عدالت کیفری در مواجهه با اتباع بیگانه استاندارد دوگانه‌ای در پیش گرفته است و ملیت متهم و یا پایگاه اجتماعی وی نحوه و شدت کیفردهی او را تعیین می‌نماید. در این راستا تضمین برابری افراد و به‌حداقل رساندن تبعیض‌های موجود، در گرو تغییر پیش‌داوری‌های و تعصبات ذهنی عموم جامعه و پیرو آن کنشگران نظام عدالت کیفری، به‌عنوان عضوی از جامعه نسبت به مقوله مهاجران است. آموزش کثرت‌گرایی فرهنگی به کنشگران کیفری، به‌کار گماشتن کنشگران آشنا با فرهنگ مهاجران، در دسترس قراردادن نهادهای معاضدتی خاص برای اتباع بیگانه و افزایش آگاهی مهاجران از قوانین کشور تا حدودی در رفع تبعیض‌های مستقیم و غیرمستقیم نظام عدالت کیفری علیه مهاجران می‌تواند راهگشا باشد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب

۱. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.

- مقالات

۲. آسیایی، رؤیا (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناسانه بازناب جرم در مطبوعات»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۳(۱).
۳. بیچرانلو، عبدالله و طاهری، آزاده (۱۳۹۹). «خوانش مهاجران افغانستانی ساکن ایران از

- بازنمایی آن‌ها در تلویزیون ایران»، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، ۶(۲).
۴. بیگزاده، ابراهیم و سرافراز، فرشید (۱۳۹۰). «نظام حقوقی مناسب برای مهاجران: ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف مهاجران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۴(ویژه‌نامه ش ۷).
۵. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۴)، «مفهوم قدرت در جامعه‌شناسی کیفری». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۱).
۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی؛ مالدار، محمد؛ حسن‌زاده مشهدی، محدثه (۱۳۹۵). «تیپ‌شناسی تطبیقی بزه‌دیدگی زنان افغانی و ایرانی ساکن مشهد» زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۲).
۷. حسنی ساطحی، حسین؛ شرفی، محمد؛ هاشمی، علی (۱۳۹۷). «تهدیدات امنیتی و پیامدهای حضور اتباع بیگانه در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر کرج»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۱(۴۴).
۸. زرقانی، سید هادی؛ قنبری، محمد؛ رضوی‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل راهبردهای مدیریت مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی با استفاده از مدل SWOT-ANP»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۲).
۹. مهاجرین، رضا (۱۳۹۱). «بزهکاری اتباع بیگانه با تکیه بر جرایم افغان‌ها» در: **مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکتر حسن دادبان**، ج ۲، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

– پایان‌نامه‌ها

۱۰. اکبری، علی‌یاور (۱۳۹۰). **بازتاب افغانستان در مطبوعات ایران (تحلیل محتوای روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی)**، پایان‌نامه برای اخذ مدرک دکتری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. بزی، الری (۱۳۹۳). **بررسی تأثیر ملیت و جنسیت متهم بر نوع و میزان مجازات**، پایان‌نامه برای اخذ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
۱۲. حدادزاده، محمدرضا (۱۳۹۷). **تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن**، پایان‌نامه برای اخذ دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. ساکی، فرشته (۱۳۸۹). **بررسی تصویر مهاجران افغانی در مطبوعات ایران از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی**، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.
۱۴. صادقی، آزاده (۱۳۹۶). **رویکرد تجربه‌محور به مداخله‌های نظام عدالت کیفری در جرایم مواد مخدر**، پایان‌نامه برای اخذ مدرک دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۵. عزیزی، محمد (۱۳۸۹). بررسی نقش اتباع بیگانه در سیمای مجرمانه استان خراسان رضوی، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.
۱۶. غلامپور، مهدی (۱۳۹۸). تحلیل جرم‌شناختی مرگ در زندان، پایان‌نامه برای اخذ مدرک دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. اله یورتی، فریبا (۱۳۹۴). دسترسی متهمان مهاجر به عدالت در مرحله تعقیب کیفری، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.

ب) خارجی

- Books

1. Cohen, S. (2011). *Folk devils and moral panics*: Routledge.
2. Sayad, A. (2018). *The suffering of the immigrant*: John Wiley & Sons.
3. Walker, S., Spohn, C., & DeLone, M. (2016). *The color of justice: Race, ethnicity, and crime in America*: Cengage Learning.

- Articles

4. Albrecht, H.-J. (1997). Ethnic minorities, crime, and criminal justice in Germany. *Crime and Justice*, 21, 31-99 .
5. Banks, J. (2011). Foreign national prisoners in the UK: Explanations and implications. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 50(2), 184-198 .
6. Brandon, A. M., & O'Connell, M. (2018). Same crime: Different punishment? Investigating sentencing disparities between Irish and non-Irish nationals in the Irish criminal justice system. *The British Journal of Criminology*, 58(5), 1127-1146.
7. Bright, S. B. (2014). Imposition of the death penalty upon the poor, racial minorities, the intellectually disabled and the mentally ill. *UN Office of the High Commissioner for Human Rights*, 99-113 .
8. Demuth, S. (2002). The effect of citizenship status on sentencing outcomes in drug cases. *Federal Sentencing Reporter*, 14(5), 271-275 .
9. Elwood, W. N. (1995). Declaring war on the home front: Metaphor, presidents, and the war on drugs. *Metaphor and Symbol*, 10(2), 93-114 .
10. Fishman, G., Rattner, A., & Turjeman, H. (2006). Sentencing outcomes in a multinational society: When judges, defendants and victims can be either Arabs or Jews. *European Journal of Criminology*, 3(1), 69-84 .
11. Fleetwood, J., & Seal, L. (2017). Women, drugs and the death penalty: Framing sandiford. *The Howard Journal of Crime and Justice*, 56(3), 358-381 .
12. Flusberg, S. J., Matlock, T., & Thibodeau, P. H. (2018). War metaphors in public discourse. *Metaphor and Symbol*, 33(1), 1-18
13. Hagan, J., & Palloni, A. (1999). Sociological criminology and the mythology of Hispanic immigration and crime. *Social problems*, 46(4), 617-632 .
14. Harris, C. T., & Gruenewald, J. (2020). News media trends in the framing of

- immigration and crime, 1990–2013. *Social problems*, 67(3), 452-470.
15. Hartley, R. D. (2014). Focal concerns theory. in: **The encyclopedia of theoretical criminology**, 1-5.
 16. Ivanov, G. (2020). Effects of Immigration Status on the Criminal Process .
 17. Hoyle, C., & Girelli, G. (2019). The Death Penalty For Drug Offences: Foreign Nationals. Harm Reduction International.
 18. Jacobs, D., & Carmichael, J. T. (2002). The political sociology of the death penalty: A pooled time-series analysis. *American sociological review*, 109-131 .
 19. Jacobs, D., Carmichael, J. T., & Kent, S. L. (2005). Vigilantism, current racial threat, and death sentences. *American sociological review*, 70(4), 656-677
 20. Jacobs, D., Qian, Z., Carmichael, J. T., & Kent, S. L. (2007). Who survives on death row? An individual and contextual analysis. *American sociological review*, 72(4), 610-632.
 21. Joseph, J. (2006). Drug offenses, gender, ethnicity, and nationality: Women in prison in England and Wales. *The Prison Journal*, 86(1), 140-157 .
 22. Light, M. T. (2017). Punishing the “others”: Citizenship and state social control in the United States and Germany. *European Journal of Sociology/Archives Européennes de Sociologie*, 58(1), 33-71 .
 23. Light, M. T., Massoglia, M., & King, R. D. (2014). Citizenship and punishment: The salience of national membership in US criminal courts. *American sociological review*, 79(5), 825-847 .
 24. Light, M. T., & Miller, T. (2018). Does undocumented immigration increase violent crime? *Criminology*, 56(2), 370-401 .
 25. Liu, S., Xiong, M., & Liang, B. (2019). The Death Penalty for Foreign Drug Offenders in China: Legal Protection and Equal Treatment. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 25(4), 427-448
 26. Logue, M. A. (2009). “The price of being Mexican”: Sentencing disparities between noncitizen Mexican and non-Mexican Latinos in the federal courts. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 31(4), 423-445
 27. Lehmann, P. S., & Gomez, A. I. (2021). Split Sentencing in Florida: Race/Ethnicity, Gender, Age, and the Mitigation of Prison Sentence Length. *American Journal of Criminal Justice*, 46(2), 345-376.
 28. Mihelj Plesničar, M., & Kukavica, J. (2019). Punishing the Alien: The Sentencing of Foreign Offenders in Slovenia. *Dve domovini; Two homelands*, 27-50 .
 29. Mitchell, O., & Caudy, M. S. (2015). Examining racial disparities in drug arrests. *Justice Quarterly*, 32(2), 288-313 .
 30. Olivero, J. M. (2013). The imposition of the death penalty on Mexican nationals in the United States and the cultural, *legal and political context*. *Laws*, 2(1), 33-50 .
 31. Paoli, L., & Reuter, P. (2008). Drug trafficking and ethnic minorities in Western Europe. *European Journal of Criminology*, 5(1), 13-37 .
 32. Paternoster, R., Brame, R., Bacon, S., Ditchfield, A., Beckman, K., & Frederique, N. (2003). An empirical analysis of Maryland's death sentencing system with respect to the influence of race and legal jurisdiction. University of

- Maryland, College Park.
33. Pasko, L. (2002). Villain or victim: Regional variation and ethnic disparity in federal drug offense sentencing. *Criminal Justice Policy Review*, 13(4), 307-328.
 34. Quillian, L. (2006). New approaches to understanding racial prejudice and discrimination. *Annu. Rev. Sociol.*, 32, 299-328.
 35. Scalia, J. (1996). Noncitizens in the federal criminal justice system. *Criminal Justice*, 1984- 94.
 36. Sellin, T. (1935). Race prejudice in the administration of justice. *American Journal of Sociology*, 41(2), 212-217.
 37. Smith, R. J., Levinson, J. D., & Robinson, Z. (2014). Implicit white favoritism in the criminal justice system. *Ala. L. Rev.*, 66, 871.
 38. Spohn, C. (2000). Thirty years of sentencing reform: The quest for a racially neutral sentencing process. *Criminal Justice*, 27-501
 39. Steen, S (2005). Images of danger and culpability: Racial stereotyping, case processing, and criminal sentencing. *Criminology*, 43(2), 435-468.
 40. Steffensmeier, D., Ulmer, J., & Kramer, J. (1998). The interaction of race, gender, and age in criminal sentencing: The punishment cost of being young, black, and male. *Criminology*, 36(4), 763-798.
 41. Steffensmeier, D., & Demuth, S. (2000). Ethnicity and sentencing outcomes in US federal courts: Who is punished more harshly?. *American sociological review*, 705-729.
 42. Tonry, M. (1998). A comparative perspective on minority groups, crime, and criminal justice. *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, 6(1), 60-73.
 43. Tosh, S. (2021). Drug prohibition and the criminalization of immigrants: The compounding of drug war disparities in the United States deportation regime. *International Journal of Drug Policy*, 87, 102846.
 44. Valadez, M., & Wang, X. (2017). Citizenship, legal status, and federal sentencing outcomes: examining the moderating effects of age, gender, and race/ethnicity. *The Sociological Quarterly*, 58(4), 670-700.
 45. Wang, X. (2012). Undocumented immigrants as perceived criminal threat: A test of the minority threat perspective. *Criminology*, 50(3), 743-776.
 46. Wolfgang, M. E., Kelly, A., & Nolde, H. C. (1962). Comparison of the executed and the commuted among admissions to death row. *J. Crim. L. Criminology & Police Sci.*, 53, 301.
 47. Wu, J., & Spohn, C. (2010). Interdistrict disparity in sentencing in three US district courts. *Crime & Delinquency*, 56(2), 290-322.

ج) آرا

48. *US v. Borrero-Isaza*, 887 F.2d 1349 (9th Cir. 1989).
49. *US v. Onwuemene*, 933 F.2d 650 (8th Cir. 1991).
50. *US v. Pena*, 125 F.3d 285 (5th Cir. 2003).
51. *US v. Kouangvan*, 844 F.3d 996 (8th Cir. 2017).

پیوست شماره ۱: پروتکل مصاحبه

۱. مصاحبه شونده‌گان از میان افرادی که به طور مستقیم در پرونده‌های مواد مخدر مداخله داشته‌اند، انتخاب شده‌اند.
 ۲. پژوهشگران اطلاعات لازم در خصوص موضوع پژوهش در اختیار مصاحبه شونده‌گان قرار داده و مصاحبه شونده‌گان با آگاهی کامل از موضوع تحقیق و تضمین محرمانه ماندن هویت، موافقت خود را جهت مصاحبه اعلام نموده‌اند. لذا در راستای رعایت اخلاق پژوهشی، از ذکر نام مصاحبه شونده‌گان اجتناب شده است. لکن مشخصات دموگرافیکی آنان به منظور توصیف افراد مصاحبه‌شونده، ثبت گردیده است.
 ۳. این مصاحبه‌ها ابتدا به صورت فایل صوتی ضبط گردیده و سپس به صورت مکتوب درآمده است. در خصوص مصاحبه‌شوندگانی که تمایلی به ضبط صدایشان نداشته‌اند، مصاحبه صرفاً به صورت مکتوب در جلسه ثبت گردیده است. براساس پروتکل مصاحبه، بعد از چاپ مقاله، در راستای رعایت حریم خصوصی مصاحبه شونده، فایل صوتی کلیه مصاحبه‌ها، معدوم خواهد شد.
 ۴. روش انجام مصاحبه‌ها انعطاف پذیر بوده و متناسب با نظر مصاحبه شونده به صورت حضوری یا تلفنی بوده است. به دلیل ناتمام ماندن مصاحبه در یک جلسه و اهمیت مسائل مطروحه، با برخی مصاحبه شونده‌گان در طی چندجلسه مصاحبه صورت گرفته است.
- پی نوشت:** این مصاحبه‌ها به صورت کلی در خصوص فرایند کیفرشناختی اجرای مجازات در جرایم مواد مخدر (رساله دکتری) بوده است که قسمتی از آن به مسئله رویکرد نظام عدالت کیفری نسبت به مهاجران درگیر در جرایم مواد مخدر اختصاص داشته است.

پیوست شماره ۲: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مصحبه‌شونده شماره	سمت	جنسیت	سابقه فعالیت	تحصیلات	مدت مصاحبه	تاریخ مصاحبه	نحوه مصاحبه
۱	وکیل دادگستری	مرد	۲۰ سال	دکتری حقوق	۳ ساعت	۱۵-۱۸ مرداد ۱۳۹۹	حضور
۲	وکیل دادگستری - کارمند سابق دادگاه انقلاب	مرد	۱۵ سال	کارشناسی	۵۰ دقیقه	۲۵ تیر ۱۳۹۹	حضور - دفتر وکیل
۳	قاضی دادگاه انقلاب	مرد	۲۵ سال	-----	۴۵ دقیقه	۱۵ مرداد ۱۳۹۹	حضور
۴	قاضی بازنشسته دادگاه انقلاب	مرد	-----	کارشناسی	۲ ساعت	۱۹ مرداد ۱۳۹۹	حضور
۵	وکیل دادگستری	مرد	۵ سال	دانشجوی دکتری	۱ ساعت و ۴۰ دقیقه	۲۳ مرداد ۱۳۹۹	تلفنی
۶	وکیل دادگستری	مرد	۱۵ سال	کارشناسی ارشد	۱ ساعت و ۳ دقیقه	۲۰ مرداد ۱۳۹۹	حضور - دفتر وکیل
۷	قاضی واحد اجرای احکام کیفری (در حال حاضر)	مرد	۵ سال	کارشناسی ارشد	۳۰ دقیقه	۱۸ شهریور ۱۳۹۹	تلفنی
۸	وکیل دادگستری	مرد	۸ سال	کارشناسی ارشد	۲۵ دقیقه	۲۵ مرداد ۱۳۹۹	تلفنی
۹	وکیل دادگستری	زن	۱۳ سال	کارشناسی ارشد	سی دقیقه	۲۵ مرداد ۱۳۹۹	تلفنی
۱۰	وکیل دادگستری	مرد	۸ سال	کارشناسی ارشد	۲۵ دقیقه	۲۵ مرداد	تلفنی
۱۱	وکیل دادگستری/استاد دانشگاه	مرد	۱۹ سال	دکتری حقوق کیفری	۱ ساعت و ۳۰ دقیقه	۲۶ مرداد ۱۳۹۹	حضور - دفتر وکیل
۱۲	مامور مبارزه با مواد مخدر	مرد	-----	کارشناسی	۳۰ دقیقه	۲۲ شهریور ۱۳۹۹	تلفنی

مصاحبه‌شونده	شماره	سمت	جنسیت	سابقه فعالیت	تحصیلات	مدت مصاحبه	تاریخ مصاحبه	نحوه مصاحبه
۱۳	مامور مبارزه با مواد مخدر	مرد	۳۰ سال	کارشناسی ارشد	۱ ساعت و ۳۰ دقیقه	۲۲ شهریور ۱۳۹۹	حضور در محل کار	
۱۴	وکیل دادگستری	مرد	۷ سال	-----	۳۰ دقیقه	دوم مهر ۱۳۹۹	تلفنی	
۱۵	کارآموز قضاوت	زن	---	دانشجوی دکتری	۳۰ دقیقه	۱۹ مهر ۱۳۹۹	حضور	